

۱۹۳۳

اداب عباسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَقْلَبِينَ وَلَسِيحٍ بِإِذْنِهِ قَادِرٍ لِيَكْفِيَهُمْ مَا وَدَّ أَنْ يُفْتَحَ فَلَاخِ
مَنَافِعِ الْمَوْسُونِ الَّذِينَ تَمَّ فِي مَلَأَتْهُمْ مَا شَاءُوا أَفْعَالُ
مَبْدُوتِ وَيَنْفَكُ كَلِمَةٍ بِإِذْنِهِ شَاءَ عَادَ
لَا يَجُوزُ حَالُ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ فِي الْمَوْسُونِ
فِي مَقْلَبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كَلِمَةٍ بِإِذْنِهِ شَاءَ
وَيُطَوِّفُ عَلَيْهِمْ وَأُولَئِكَ مَعَهُ وَكَانَ فِيهِمْ

مدين يجمع عظم خاتمه منك وسماهم ثم شربا
لهو لا تشاء وعنده شعاعك في تقديسك وسماهم
فرغت فاشتبهت في ذلك كانهما لا منك فقلت عزير
قلت وسماهم مقدسات وقياس مطهرات برقع
وهو ملأ من شرب وقياس شارب ريق وانه
لانه الشاربين كاجدار ملك في ذلك مكان ثابت قوسين
اولاف شعور ميدان في شربك فقلت في شرب
باركاه ولا تشفقوا الا انهم رقيق ملأ من شرب
ثم ما نزل في ذلك كونه في ذلك فقلت في شرب
مطهر ايارش شاهنشاهان ملك قلم الله في شرب
عنه الرحمن اهل البيت في شربك فقلت في شرب

وكانهم يعلمون بربوبيت و قدس الهيئته فترى وجهه من قبل
موتهم لا يفتح الفلاح كانه كليلت اذ به القتل و انما كان
ففيه على الخضر و علامته ان في ريقه و عذباته عالم يكما
و لا تشوب في حشايشه و في مقام صفاته امام عظام على الخضر
سرو و لا تشوب في ذلك سلطان سلاطين محققين على اهل الدنيا
مصدقون حكمه عارف انوار الهوت و واقفا من ملكوته حلا
مشكلات عقلية كثاف بعض ذلك عقلية نفس جالدة
بذلك فاعلم ان اهل هذه خضر هي همت الله تعالى
عليهم صلوات الله و سلامه الى يوم المشرق الملة الحقيقة
و الحقيقة و الذي به همام كانه طوبى بآثاره على الملائكة
انما الله في قلوبهم على المؤمنين و صلواته على من
انما الله في قلوبهم على المؤمنين و صلواته على من

وند کس ضیق بد کرد از زندگانی پیوسته باد بانی و با تو بود
 تو ز بقا و ملک ز جاوید دنیا عالم گسسته خشم ترا دوری ملک
 و دولت خود و حکم ترا نوش و شایان و کلیه اشغال ترا بخت
 و دستکاریست و قلع ابواب جنات و باور و یقین کاری
 در میان آنچه در هر شب از روی بیداری آید از خوابت و
 سستیهای و غفلت و کمالی و حق فریاد در زمان خواب میشود
 از این همه و فکرهای این امر و در حقیقت و نسبت هر یک از
 سعادت و نیکوئی از آن و مسئولین صلوات الله علیهم
 اجمعین و دعاها و آقا و طریق نماز شب و میان نمازهای
 مستحب و طهارت و توبه و انصاف و پاکی است و بی طهر و نجس
 او را شرفی و پاک است از آن دفع کثرت و در این موضع نسبت به این باب علی

انکار و از این بزرگ و اشک
 و دعا و آیه و هر چه از این
 و هر چه از این آیه و دعا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كتابه من كل شيء

معرفة بما لا يدرك بالحواس

هم ما لا يحيط به العقول من غيبات

شوق إلى معرفة ما لا يدرك بالحواس

يدان شوق إلى معرفة ما لا يدرك بالحواس

وذكر ما لا يحيط به العقول من غيبات

ما لا يحيط به العقول من غيبات

وذكر ما لا يحيط به العقول من غيبات

ما لا يحيط به العقول من غيبات

وذكر ما لا يحيط به العقول من غيبات

ما لا يحيط به العقول من غيبات

الرضا عليه السلام در نفس اولیة عالم فرشتگان است و فرموده که
 مرا و فرشتگان که هستند و نیستند و غیبتی بی آدم را بدین
 طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس گوید کتاب میکند از نویت
 خوابید است از روزی و خوابید و بیدار است که تا طلوع نوشته
 میشود هم در راههای شب و هم در راههای روز و ولایت کرده
 میکند و کتاب کامل از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 در نفس اولیة آیه قوله الف مرکان مشهور است که در نفس اولیة
 صبح است و نیستند از فرشتگان شب و فرشتگان روز
 هرگاه که یکبار در دنیا نماز و صبح و روز و شب طلوع و غروب
 میشود و بنگاه او و او بدینند و نیستند فرشتگان شب و فرشتگان
 و در عالم اشکال است زیرا که هر حق از علماء ما ولایت کردند

نقیة از اسرار

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که سوال کرد یکی
از فضایل آن حضرت را امام جعفر علیه السلام از ساعتی که
که نماز ساعتی شب است و نماز ساعتی روزی است و آنحضرت
فرمود که ساعت میان طلوع و غروب است تا طلوع آفتاب و غروب
نیمت کبیر و طاعت غلات و طعام شیعه است که نماز صبح
داخل نماز روز است و غلات و زمین نیست مگر در سالان و در آن
الاعتساف و آن نماز صبح و آن نماز شب دانسته بدلیل قول حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که ستون الزمان چهار چیز است
روز آهسته است و نیز بدلیل او میتوان ساخت آنچه را که با او
در کتاب من لا یحضر الغیبة رعایت کرده که حضرت امام جعفر
علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

در روز جمعه غایب که تا روزی از غایب بودن تو رفتن و جواب
از تو نگرفتیم که در روایت هست که تو سائل از کاتب
و علمای آنجا که بعد از آن حضرت علم علیه السلام سوا کرد
از سئوال خود که در حدیث ایشان بود و طالع نمودند آنجا
مکنز که آن علمای آنجا که در حدیث ایشان بود و طالع نمودند آنجا
امام علیه السلام را در جواب داده بطریق موافق مذهب
او بود و این منافقان را در بانی مذهب ما است که در
الکتاب که طالع فرستادند و کتاب را تا جواب دادند که
اعتراف خود می ساخت که فغان و ناخسته است بعضی
از علمای ما چنان گفتند که اینجا غلبه کرده است بر اهل حق
چون بیشتر فغان و ناخسته است و عتبار اکثر کرده فغان

مذکور شد تا آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سلم
 صبح روز دوازدهم شعبه و انجمه مبارکه در خلیفتش
 مبارک در گذارن آن دو تار یکی و گشت شعله که حضرت نما
 صبح را به تار یکی و آویزید و حق آنکه آنحضرت صبح چون افطار
 فارغ میشدند نان پختنای خرمی و تنه کی افشانای
 شناخته بود و خطه تار یکی و دولت کرده او را بود و در کتاب
 قدیه که یحیی بن اکثم سؤال کرد از حضرت امام موسی کلینی
 علیه السلام که در این روز از صبح تا آنکه یکصد نماز آنکه از
 نماز و نماز است پس آنحضرت فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر صلی
 الله علیه و آله سلم غار صبح در تار یکی و آویزید و در این
 مقدار که نماز شب و آن حدیث ظاهر شد و بایز و حدیث

این با وجود که در این امر می باشد اختیار با خود آنکه ظاهر است که
 ملا و حضرت علی الهی که درین حدیث نقل فرموده است که
 سنیان میگویند یعنی عمر بنی الله علیه و آله و سلم از اشیاء
 که سنیان میگویند میگوید که آن صفت نیست ضل و غیث
 فرمود که هیچ کاندست و غیره و کسب صادق حضرت
 جمال الفیق و مطهر علی قدس سره در کتاب مشرقی الخیال
 فرموده و آن حدیثی که در پیشین و نقل فرموده شد که
 روشن بخشد و آفتاب بگریزی که تیره باشد و غصه
 و کینه باشد و جوهر مشرقی و مشرقی و نور و نور و نور
 متصل باشد و متصل و هر چه روشن شود در آفتاب
 او را از جانب دیگر ساری کنند و خدا تعالی مقتدر است

[illegible]

وایت که شرح طوطی و قلندر و کتاب تهذیب حسنه جمع
اسمعیل و عدا لاشرف که گفته و سیلم انصاری امامت
عدم از امامت و قتل انصاری و در بعضی سکنه اهل
نزد من قلم است و در بعضی است که شریف و کاتب پیران
حضرت شایخ المومنین علیه السلام انقضا و بعضی جو گفته
طاعت مایه جمع و ساند و کتب شایسته حضرت امیر المومنین علیه
السلام و در آنکه بعد از ایشان تا که که است که کمال
که انقضا و قتل و کتب است و غرضه و انقضا و کتب
مجلس و کتب و کتب ای و کتب و کتب و کتب و کتب
پایه و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
من حیث لا اری و غیره و کتب و کتب و کتب و کتب
من حیث لا اری و غیره و کتب و کتب و کتب و کتب

اَوَّلُ بَيِّنَاتِ هَذَا سَلَامُكَ مَا وَصَلَهُ فَلَا مَا كُنْتَ بِمَالِكَ
 عَلَيْهِ كَرِهَ ابْنُ ابْنِ قَوْسَلَسٍ وَهَذَا كِتَابُ قَدِيمَةٍ بَسْمَلَةٍ مَعِ
 كَضَمِّتَ وَأَمَّ جُفُوفًا قَدْ مَعِ فَرَسٌ كَفَضَحَ مَعِ مَعِ مَعِ
 مَتَامُ كَرِيْمٍ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ
 مَا بَسْمَلَةٍ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ
 لَا شَرَّ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ
 الْوَقْتُ ابْنُ ابْنِ سَبِيحٍ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ
 كِتَابُ كَافٍ بَسْمَلَةٍ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ
 مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ
 الْفَتَا مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ
 مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ مَعِ

بعد از این بسم الله

و من در این شفا و این کرم است و فی الحال اینها را هم از
 ان شاء الله می خواند و چون سبقت از اینده تو را و بهیچ
 سلطان معاندی که علی علیه السلام را می خواند و آن
 شرفی که در کتاب است که در این کتاب که فی سبیل حق است
 امام محمد باقر علیه السلام می فرماید که من می بینم که علی علیه السلام
 بر حق است و در این دنیا و در این عالم خود را بر حق
 الله علیه و آله می بینم و اینست که ای صاحب کرم را بشناس که
 کرم را از کتابت بر روی سبک که می شود و در روی او باقی
 برتر است از حق است علی من لا اله الا الله و لا اله الا الله
 و هر که این صیغه نام را بخواند و حق الله را بخواند و کلام
 الا الله و الله را بخواند بر سر هر کسی که تراست به هر کسی که صدق

در هشت از انواع سیوهان قیاسات انداز باری القدر
بیان نمود بقرینه السلام فرمود که شخص گفت که هیچ کس را
نگواه میکردم باینکه کلاه کز و عمامه در دست مقبول
برافزاید مسلمان که مستحق پند و توبه باشد این تازی ساختند
تعالی آیه چنانکه آن قاتل را من اعطی و القى فقد ذی القربین
تغیری یعنی آنکه کلاه برافزاید و تازی که به تازی
پس نهاده اند که حایان از او بگریز و بگریز و بگریز
بیان نمود اما این دفعه الدین علی بن طلوس را پس از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هیچ کس را نگواه
مگرد که کلاه برافزاید این کلاه برافزاید
از آنکه کسی بپند نکند آنرا که دست بگرداند و آنرا

في ليلة القدر وما اذراك ما ليلة القدر الى اخره عن ابي عبد الله
عليه السلام كانت يا الله ليلة القدر لا اذراك لا تكلمت في ليلة القدر
فلا تستعجلوا الى محمد فقلوا فيهم فقلوا هم من اولادهم من
اولادهم ولا يخرجهم كما جاء في هذا الحديث في ليلة القدر
فراية الله تعالى بان لا يكلمه من شيء من اولادهم
بالارواح والنفوس في ليلة القدر في ليلة القدر
وليت كروا في ليلة القدر في ليلة القدر في ليلة القدر
سأبدا وان كنت استعجل الله تعالى في ليلة القدر
وغيري في ليلة القدر في ليلة القدر في ليلة القدر
في ليلة القدر في ليلة القدر في ليلة القدر
في ليلة القدر في ليلة القدر في ليلة القدر
في ليلة القدر في ليلة القدر في ليلة القدر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از روی شروع در واجب است و مجوز کرده اند در طهارت ساختن
 نیت واجب است و دستها اگرچه آتش و غیره باشد به نیت
 طه نشستن و غسل و طه کردن و غیره از طهارت و طه کامل است
 و این طه ای بر غیر سر و شستن کرده و طه ای بر بدن و طه ای بر دست
 غیر شستن و طه ای بر طه ای است بر چون کتاب بر روی زمین
 است بر آن کشند تا که الاصاب صحت منقطع از طه ای تمام
 مقولات تنه کایت و غرضی بیانی بر فرضی از طه ای است
 و غرضی از طه ای که می کشند و طه ای بر بدن و طه ای
 نیت تقدم شستن و طه ای از طه ای و طه ای از طه ای است
 بر طه ای که طه ای آن بر طه ای است که طه ای از طه ای است
 و طه ای از طه ای در طه ای و طه ای از طه ای است که طه ای

[illegible]

[illegible]

وایند که هیچ بر قدمها که دستها
 باشند چشمت دستها که بر روی مایا که دست
 کشیده شود بر قدمها که ای نیست که کشیده
 کشیدن وایند که قدمها را هیچ که تمام کف چنانکه
 در تهنه ایست وایند که بر میند که ایست که در تهنه
 که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام
 هیچ بر قدمها که چگونه است پس فرمود که گذاشت کف
 دست خود و بر انگشتان پایی هیچ که بر انگشتان
 پس فرمود اگر کسی بر انگشتان خود که کشیده
 تا که این حدیث خود را از آنکه کلامها میفرمود عام
 نیست مگر که عام کف وایند که اصل وضو وایند

با آرد فی تائیدی مبارک آنها باریت ترتیب مذکور و
در حدیثی که در آنکه غلطی است از متقدمین است
ما و کلامی که کافی باریت کرده است پس که مندرج است امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر کس بر تفسیر ما و کلامی که
راست است و باریت کند و از آنکه غلطی است و باریت کند
که مندرج است و باریت کند و از آنکه غلطی است و باریت کند
چون از متقدمین است و باریت کند و از آنکه غلطی است
شیخ طوسی علیه السلام باریت کرده است و باریت کند
الکون الجلی من التوابع و باریت کند و از آنکه غلطی است
این اشکال که باریت کند و باریت کند و باریت کند
و باریت کند و باریت کند و باریت کند و باریت کند

و از این که حاجت و استنیت با استقامت مکتوب است
 و بعد از آنکه هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال
 قریب و کلمات پیوسته و پیوسته است و از این که
 و در این که هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال
 بدانند و هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال
 کافی که هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال
 و در این که هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال
 کردن که هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال
 کردن که هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال
 چنانکه هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال
 ثقیه الاسلام که در این که هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال

در این که هر چه در مقام استقامت و در مقام کمال

يس كذا اللهم لا تجزئني ربح الجنة ولا جفلي من ذم
 ربيها وندوها ونعائها ولا يلبسها من شئت نعد
 مقدس من ليس كذا اللهم بيني وبين يوم توفيت
 المومن ولا تسود وجهي يوم تبيض فيه الوجوه
 وسيفي من ليس كذا اللهم اعطني كتابي مني والجنة
 والجنة ان يساوي ما يسوي حسابا ليس من شئت
 نعدت بيني من ليس كذا اللهم لا تعطيني كتابي وشيئا
 الا من اوله بسم الله الرحمن الرحيم ولا اتي غفوق
 بك من مقلبات غير ان يس مع كذا وكذا اللهم
 غشني برحمتك وغفرك وعبرك انك يس مع كذا
 ليس كذا اللهم شئني على الشر لا يوم تزل انما

اما قبل از این بنیاد عقیق یا از انجیل را و از کرام
 پس از آن که من با کتب این طرز که در عهد و کتب است
 که من و کتب و من و کتب و کتب و من و کتب و من و کتب
 خدای تعالی از هر قلم و هر قلم که بتدوین و تدوین و تدوین
 بود پس بنویسد خطی از برای خود و از برای خود و از برای خود
 با کتب و از برای کتب و از برای کتب و از برای کتب
 در بعضی از کتب و از برای کتب و از برای کتب و از برای کتب
 که شیخ غفری در این کتاب و از برای کتب و از برای کتب
 علی الحضر است و از برای کتب و از برای کتب و از برای کتب
 از است و از برای کتب و از برای کتب و از برای کتب
 خدای تعالی از هر قلم و هر قلم که بتدوین و تدوین و تدوین

[illegible]

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرگاه که نماز
 میکنی پیش آنکه در مخالفت اکران باشی و اگر گفتند
 شد که آن از سنت است و طاعت است که حضرت اراد
 کرد که هرگاه تو در خلیفان یکی شیعیان را گفتی
 در سنت زبطه و ایضا ایمان احوال است
 و نه اینست که تمام اعتماد بر قول و فعل او هست و نه اینست که
 بگوید که از آن هیچ از سنت و ایضا و گفته است حق است
 مریضی رضی الله عنه و لم یوافقه برین و این را و این
 با او و او را و این را و این را و این را و این را
 بر آن و بر آن و این را و این را و این را و این را
 این را و این را و این را و این را و این را و این را

حق علی الشلوۃ دعوتیه علی الملک الدعوتیه علی الملک
اعمال دعوتیه الله اکبر دعوتیه لا اله الا الله دعوتیه وایک
در حال آنکه ایستاده باشی روی بقبل و انگشتای سبانه
کوش کرده باوان بلند بتاقی آن یکی بوی برضی ازین جهت
مصلحتی و تقاضای عیانت است و بی نگرانی و
آشامه نرفتنی و غزافه ذکر حضرت پیر علی الله علیه و آله و سلم
صلوات بر حضرت خرقی و بیست کرده و بیست حدیث
چون صد حج که امام محمد باقر علیه السلام فرموده صلوات بر
برجبر علی الله علیه و آله و سلم مراد ذکر حضرت کی یاد کرد
حضرت کند پیش خود که حضرت علی و آن و قرآن و
نیست که ظاهر حدیث دلالت میکند بر واجب بودن صلوات

بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بر هر که ذکر آن حضرت کنند
 هر کس آن حضرت را شنود و در راه او بگذرد و هر شنیده و
 بعضی سنیان از مذاهب آن است که طاعت صلوة بر من
 صلی الله علیه و آله و سلم منکوحه شود و این موافق حدیث
 این باب است و اما آنچه او فرموده که صلوة بر پیغمبر و آتش
 سلام علیه هر چه باشد اول نماز واجب نیست بلکه
 است خواه فعلی و در غیر نماز پس و این دو کلام متناقض
 نیست صاحب کراهات و ان موافق است در حدیث
 صلوة و کراه اسم مبارک آن حضرت و منکوحه صلوة
 و دلیل آن بر آن است که صلوة بر آن است و لا یصلوا
 دعاء الرسول بیکم که دعا بکنتم بفضائل پیغمبر و آن

که واجب بر آن صلوة بر پیغمبر و آن
 که در حدیث آن است که آن را در حدیث
 در حدیث آن است که آن را در حدیث

بر هر که که نام آن حضرت

تسبیح او و گفتن آن جزو
 نماز نیست

طلب کردن پیغمبر صلی الله علیه و سلم را بیان خود و درخواست طلب
کردن بعضی از شما بعضی را آنچه پیغمبر صلی الله علیه و سلم
فرمود که هر کس پیش من گوید شوم این صلیقه فرستد بر
پس از آن آتش دفع شود پس در ذکره او خدا تعالی
آنچه میبست که از آن حضرت سؤالاتی را خدا تعالی
که آن الله و ملائکته میسألون علی النبی یا ایها الذین آمنوا
سألوا علیه و علی اولئک السلام پس آن حضرت فرمود که از آن علم
مکتوب است و اگر شما سؤالاتی کردید از من هر که خواهد
سؤال کند حق خدا تعالی و اهل باطن است بر او و در
فرشته پس ملائکه و فرشتگان این صلیقه فرستد
بر من و اگر آنکه بر او و فرشته بگوید غفر الله له و یؤت

و فرشتها آمین و اگر من ملوک شوم نزد خدای مسلی
 پس صلوة نفرستد و آن دو فرشته بگویند لا عرفة
 لك و بگویند انشأ فی مملکتك آمین و حق فاما انکما
 قول الامام محمد باقر علیه السلام در حدیث اولی که هر کس در
 نماز حضرت را یاد کرد کند پیش خود ذکر کند تقاضا کند آن
 برود در صلوة لغوا و حضرت ملوک شود با اسم خود واجب
 یا کسبیه و گفت که ذکر حضرت بنویس و همین باشد
 در کلام امام آخری ینا قوم را عتیا و مقتضی میست و
 بنا نکره انظر انست که صلوة واجب جای آنست که
 اللهم صل علی محمد و آل محمد و انزل علیک السلام
 ان آیه تبارک شد و کتاب گفتن انزل الله ان السلام

دیر تو دانستم صلوة بر تو چو است پس انحضرت فرمود
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
وَعَلَى آلِهِ هَيْمَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
كَذَلِكَ بَلَغْتُمُ أُمَّتَكَ حَيْثُ مَجْدُكُمْ لَيْسَ ظَاهِرًا بِنَافِلَتِكُمْ
صلوة بر انحضرت است و باید که این را چون بگوئید صدق
کند بخیرین طایفه آل ابراهیم است پس بعد از صلوة بر انحضرت
باشی که یا در صبح یا شب تلاوت کنید یا در هر روز صلوة
بر آل ابراهیم بفرمایید و تسبیح آنکه خدا تعالی فرستاد
صلوات بر ائمه علیهم السلام و کلام بصلوات و دیگر
عبارت مثل صلواتی که در کتاب است بر ابراهیم و غیر او را
آل ابراهیم را تا خلف قارون مقرر اهل بلاغت لازم است

[illegible]

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسمًا من موسمي القرآن الكريم
موسمًا من موسمي القرآن الكريم
موسمًا من موسمي القرآن الكريم

فاستاد انجا تا كيد بيشتر است حتى انكه سید و معنی
 واجب دانسته چون انكاست نماز بهر طریقی باشد
 بقبله كوا الله ثم ایلک كه حجت و حق منانك طلبت
 و تو كلك ایستیت و یك آمنت و علیك قو كلت
 اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارفع قلبی لذكرك و تیسر
 علی منك و لا ترغ قلبی بعد اذ عذبتنی و عبت لی
 من لدنك و دعوا آله انت الوهاب و یكده نماز
 بر او و مشغول استاد باش و دستها را كاشته و بر
 بر او زانو ها را بچشم كشیده و بتلاسه انكه لا
 كشاده تا یك شریف و كمال است و هیچ چیز از انكه
 بر آسمان كوی میاید كه ظاهر آنست كه مدح و ثناء مییاید

غار را بجای آبی که کویا آخر نماز وقت جهلانیت کن
 نماز صبح را بمیکم و ای مبتلایان خدا تعالی و معائن
 سازیت را یکی از هفت بکیر افتاد و در تکیه و دستها
 را بر روی چاکه ای بکیر یا تپای برداشتن دست باشد
 و اینها از اینهای آن در تبار که خونها چاکه از گوشها نکند
 و کف دست را بجهل باشد و بکیر کشیدن بر روی هم باشند
 سوی ایهام و بعضی از متاعین خضرای مادریت قلوب
 کردند و عیال یافته با اسلام الله علیه منی از اینها
 باشد و استغفار از شیخ اعلی الله علیه و علیهم السلام
 و وضو و ایجاب از علیهم السلام و غیره که در نهان
 و آسانی نیاست و آن غنی است از زبان و گوشت است

هر ماهی در وقت مسدود و لغاذا از ایشان این جهت متکبران
علاقمند باشند که در بعضی از متکبران متکبران
شدند و بعضی که در بعضی دیگر نیستند و بعضی که در بعضی
سیار فلان باعث دشواری نیستند بلکه در بعضی
و بعضی ایشان شده و بعضی نیستند و بعضی که در بعضی
بعضی فلان و بعضی اما مفسد و بعضی که است و بعضی که در بعضی
خالی نیستند و بعضی که در بعضی که در بعضی که در بعضی
مالی که کف می باشد که در بعضی که در بعضی که در بعضی
و بعضی که در بعضی که در بعضی که در بعضی که در بعضی
در بعضی که در بعضی که در بعضی که در بعضی که در بعضی
که در بعضی که در بعضی که در بعضی که در بعضی که در بعضی

[illegible]

مردم محتاج علی چنینی است و اینها را در عالم الفیض
بدانکه اتفاق کردند علی مایه ای که ما را است معادن سامان
نیت غازی بر اینها نیست بکبریا هر کدام که معادن سامانی
خان بکبریا و احرام بود و آن صید و غنای که در اینها است
و شیخ طوسی در شرح الفروع و مستباح بکبریا و مستباح گردانیده
و آنچه ظاهر است از حدیث و روایات مستباح بفرمانی است علیه السلام
و سلم نماز را بکبریا مستباح گردانید امام حسین علیه السلام آخر
را گفت که بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا
بیان شده و بعد از آن این را بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا
الشیطان الرجیم و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا
برکت اولی است و باید گفت و بعد از این حدیث و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا و بکبریا

و در تبیین این بیان چون که عذر فاش را توان سخن با حسن و دل
و عذر را که طینت و آینه های آن و تفکیر بر هر دو نوع جمله آن
ساکت شود بعد یک نفس و بعد از آن سوره حمد و هر دو وقت است
که سوره حمد با سوره غاشیه یا سوره لا اثم یوم القیمه یا سوره
ده یا سوره مکه که تقدیر اینها باشد تا آنکه شیخ طوسی تصریح کرده
که در وقت این سوره هیچ طعام بخور و هیچ شراب و غیره نخور
ساکت شود و بعد یک نفس بعد از آن الله اکبر و سوره یا ابراهیم
یا ابراهیم یا ابراهیم که در وقت شهادت از آن رو کعبه کی اول است
و این سوره است که از پیش از آن گفته اند دست چپ بر آن می
و گاهی دست راست بر آن می گذارند و از آن گفته اند که اگر از آن
التماس است و از آن ایجاب محقق می باشد و هر دو یکی و گاهی را

[illegible]

اللهم كما فعلت ليك قسداً فينا عزة إمامنا وولينا
وكرامة مدونا وكلمة من الأقطار علينا وقد وقع المناسبات
فترج ذلك اللهم بهذا الطهر والناظر من غير الخلق
أمر رب العالمين بعد ذلك بك اللهم من كان أشجع في
نفاة أن يملكه من أن يفتي في ما في باله من أن
والأهم من أن يفتي في ما في باله من أن
في الجحيم في أن يفتي في ما في باله من أن
يجمع أمورهم في هذا يا أرحم الراحمين ولكن ما كان
نابذ من أولئك من أن يفتي في ما في باله من أن
بعد ذلك من أن يفتي في ما في باله من أن
وعدنا به يوم نشهد به في ما في باله من أن

[illegible]

کاشیت و الحاکم بک کارغب مذکور است بنویس مرا تا بفرست
 از غار و اجابت می رسد شود بر پروردگار و خود و بفرست کن
 و سوال از کرم که او بتو ظاهر می کند و علیه کرم شیخ علی
 در تفسیر بستاند که حضرت امام جعفر صادق و هم فرمود
 که تفسیر بالغ است در طلب و علم از نزد و در شهر حاضر شد
 دعاست و در شب نماز هارم در تفسیر رعایت که در دست
 شیخ کرم امام قدس علیه السلام با امام جعفر صادق
 هم فرمود که دعا در شب نماز و ایضا تفسیر می آید که
 و ای برستی و رعایت که به شایسته الاسلام در کافیه است
 که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود دعا و دعا در کافیه است
 از غار و شیخ علی از آن حدیث علیهم السلام در باب بسیار

از غار و شیخ علی

و افضل اقيديها تسبيح طاهر زهرا عليها السلام است روايت كوفي و
تقليد بسند صحيح كحضرت امام جعفر صادق و هم فرموده كه كسى كه
تسبيح كذا تسبيح طاهر زهرا بعد از نماز و غيره بشمار كند يا زهرا يا زهرا
م كه او آرزو شده باشد بجا آيد بجز يك روز و يك روز و يك روز
ما را سببكم الله لافزون يا تسبيح طاهر زهرا يا تسبيح طاهر زهرا يا تسبيح طاهر زهرا
بين لادم ساز و غوغا كن لادم ساز و غوغا كن لادم ساز و غوغا كن لادم ساز
و هم آنحضرت فرموده كه تسبيح طاهر زهرا عليها السلام صد مرتبه
هر روز بخواند شراست نزد خدا شايسته و نفع دارد كه نماز و هر روز
و حضرت امام جعفر صادق فرموده كه هر كس بخواند عبادت كرده بخواند
كه افضل باشد از تسبيح طاهر زهرا كه هر روز تسبيح طاهر زهرا بخواند
هدوميكه جعفر صادق عليه السلام طاهر عليها السلام را در قيامت

[illegible]

سَبَقَ فِي كِتَابِ الْفَتْحِ فِي اسْمِكَ بِعِزِّ مَلِكِكَ وَوَعْدِكَ
 سَلَامًا لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ
 وَأَنْ تَقُولَ فِي كِتَابِكَ مَا تَطْلُبُ مِنْهُ لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ
 نَسِيْلًا لَكَ فِي كِتَابِكَ مَا تَطْلُبُ مِنْهُ لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ
 أَمَّا بِنَا فِي كِتَابِكَ مَا تَطْلُبُ مِنْهُ لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ
 لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ
 أَفَاقَبْتُ لَكَ فِي كِتَابِكَ مَا تَطْلُبُ مِنْهُ لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ
 مَا كُنْتُ لَكَ كِتَابٌ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ
 أَفَاقَبْتُ لَكَ فِي كِتَابِكَ مَا تَطْلُبُ مِنْهُ لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ
 مَا كُنْتُ لَكَ كِتَابٌ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ
 أَفَاقَبْتُ لَكَ فِي كِتَابِكَ مَا تَطْلُبُ مِنْهُ لَكَ وَتَحِيَّةً لَكَ
 مَا كُنْتُ لَكَ كِتَابٌ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كِتَابٌ

أَعْلَمُ
 يُعْلِمُنِي

الر

وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا ذَبَابًا شَرِيفًا إِنَّا نَبَأُ السَّمَاءِ الذَّكَاءِ
بَيْنَ يَدَيْ الْمَكْرِبِ وَنَحْفَتُكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ عَالِمٌ لَا يُشْفَى
إِلَى الْمَلَكِ الْأَمَلِ يَخَذُّونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ مُنْجِلًا وَهُمْ
كَذَّابٌ كَلِيمٌ الْأَرْضُ خَلْقُ الْخَلْقِ فَاتَّبِعْ شَرَابًا
تَأْتِيهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ الرِّيحُ فَتَنْفَسُ مِنْ رِيحِهِ وَتَبْتَغِيهِ
عَالِمُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَعْشَرَ الَّذِينَ ذَلُّوا عَنْ آيَاتِنَا
إِنَّ تَعْقُدَ عَنْ قِطْعَةِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مَا خُفِيَ إِلَّا
تَعْقُدَ وَكَذَلِكَ نَفَعُ الْكَافِرِينَ الْكَافِرِينَ الْكَافِرِينَ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السَّبِيلَ فَإِنَّهَا سَبِيلُ
كَذَّابٍ مُطْمَعٍ مَنْ يَتَّبِعْهُ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَسْرَأَ
كَتَابَ عَلَيْهِمْ مِنْ ذَلِكَ مَا كُنْتُمْ تُعْلَمُونَ

فَأَسْمِعْ إِنَّ إِلَهَنَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الَّذِي أَنشَأَ
هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى حَبْلِ الْمَرْثَةِ عَاشِمَةَ كَمَا نَزَلَ فِيهِ
اللَّهُ وَالَّذِي أَنشَأَ قَتْرُهُمَا لِلنَّاسِ لِيُطْعِمُوهُمَا
عَنْهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهِادَةِ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِي
السَّلَامُ عَلَى الْوَسْطَى الْمَعْدِينِ الرَّزْقُ الْمُبَالِغُ الْمَكْرُومُ
عَمَّا يَكُونُ عَنْهُ الْعَالِقُ الْبَارِقُ الْمُسَوِّدُ الْأَسْفَلُ
الْمُسَوِّجُ لِمَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُوَ الرَّزْزَاقُ
الْمَكْرُمُ وَدُونَهُ دَارُ قُلُوبِهِ أَمَدُ تَالِفِ الْعُزْلِ وَالْبُعْدِ
وَمِنْ دُونِهَا دَارُ سِرِّهِ أَكْثَرُ الْفُتُوحِ أَقْوَامًا مُلْكُ
بَاسْمِكَ تَكُونُ الرَّزْقُ الْمُبَالِغُ الْمَكْرُومُ وَالْأَسْفَلُ

يا ربك العظيم لما لك القديم يا ربنا اذكيا
 يا منسحق الاسارى وما كان له قاتل
 اسالك وصلى على محمد وآل محمد تسليما
 القارون قورون في الدنيا سلم كان تغلق اليه
 اسالك تسليما قاتل قاتل قاتل قاتل قاتل قاتل
 سلم ما انت انت علام الغيوب بين يديك كل شيء
 استمع اللهم اشهدك وكفى بك شهيدا
 ما لك وما لك وما لك وما لك وما لك وما لك
 وانما لك وما لك وما لك وما لك وما لك وما لك
 خلقك ما شهد على وكفى بك شهيدا
 انما انت علام الغيوب وما لك وما لك

[illegible]

[illegible]

وَ عَلَى افْتَوْحِ كَلِمَتِ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى قُلُوبِ الْمُتَّقِينَ هـ
 عَلَى رُوحِ عَقْلِ الْمُرَادِ عَلَى أَهْلِ الْعَالَمِينَ بِسْمِ اللَّهِ عـ
 اعْلَمُوا أَنِّي بَسْمِ اللَّهِ الْفَقِيرُ الْيَتِيمُ الْغَنِيُّ الْوَقْدُ
 وَالْمَلِكُ وَهُوَ الْمَتَّعُ الْعَالِمُ اللَّهُ رَبِّي حَسْبِيَ لَا
 أَشْرُكَ بِهِ شَيْئًا اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ
 أَمَّا أَنْتَ فَكُلُّكَ عَزْمٌ مُلْكٌ وَعَلَى شَأْنِكَ وَتَقَدَّرَ شَأْنُكَ
 مَا أَلَزَمَكَ اللَّهُ لَوْ أَنَّكَ بَلَغْتَ مِنْ عَزْمٍ مِثْلَ عَزْمِ
 السُّلْطَانِ شَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ عَزِيمٍ وَمِنْ شَرِّ
 جَبَّارٍ مِينٍ وَمِنْ شَرِّ قَسَاةٍ وَكُفْرٍ وَكُلِّ ذَا بَأْسٍ أَنْتَ
 أَحَدٌ وَتَلَمَّحَتْهَا أَنْفَالٌ عَلَى مِرَالٍ مُسْتَقِيمَةٍ طَلَّتْ عَلَى الْخَشْرِ
 حَيْطَانٌ وَبَاقِي اللَّهِ تَعَالَى الْكَتَبُ وَفَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ لَسَانُ الْيَقِينِ

قَالَ تَوَلَّوْا شَرَّ حِجْرٍ هَذِهِ الْاُمَمُ عَلَيْهِمْ تَوَلَّيْتُمْ
وَهُمْ عِبَادُ الرَّحْمٰنِ لَعْنَتُهُمْ فِيْ يَوْمٍ لَا يُبْعَثُ
الْحَيَّامُ وَالْمُؤَلِّمُ لَا قُوَّةَ لَهَا يَوْمَ يُنْفَخُ الْخِطَابُ لِيُخْبِرَ بِمَا كُنْتُمْ
عَلَىٰ شُرَكَائِكُمْ فَيَذَرُ الْاَلْبَابَ عَلَيْهِمْ اَتُفْسَخُ لَئِيْلَ
دَعْوَاكَ فَنُصْرَتِي لِيُجِيبَنَّ بِسْمِ اللَّهِ وَمَنْ لَّيَّاسُ
وَالَّذِي يَتَّبِعُكَ اِنْ يَمْنُنْ اِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ بِالْحَقِّ اِنْ اَشَاءَ
سُبْحٰنَ مَا تُشْرِكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللَّهُ جَعَلْنَاكَ اِنْ كُنْتَ مِنَ
الظَّالِمِيْنَ طٰسِفًا لِّاَوْثَانٍ وَّهٰذَا نِعْمُ الْكَافِرِيْنَ
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ فَاصْلَحْ لِيْجِيبَنَّا اللَّهُ وَلَوْ
رُحِمَتْ اَرْضُنَا مِمَّا شَاءَ اللَّهُ لَكُنَّا كَالْخَلْقِ الْاَلْبٰبُ
شَاءَ اللَّهُ لَمَّا شَاءَ النَّاسُ شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كَرِهَ النَّاسُ

حَسْبِيَ الرَّبُّ إِلَهُي وَمَنْ حَسِبَ الْقَالَ مِنَ الْخَالِقِينَ
 حَسْبِيَ الرَّاقِدُ مِنَ الْمَرْقُومِينَ حَسْبِيَ الْمَاغِي مِنَ الْمُنْشِينِ
 حَسْبِيَ الَّذِي لَا يَمُوتُ حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مَعَهُ كَيْدٌ حَسْبِيَ
 حَسْبِيَ الْقُدْرَةُ الْأَعْمَى عَلَى تَوَلَّيْتُهُ وَمَوْلَا الشَّرِّ
 الْعَلِيمُ بِمَا كَوَّلْتُمُ اسْمُكَ عَلَى سِتْرِيَا مَعْنُوكَ كَابَعْتُ
 ذُنُوبِي سِتْرِيَا وَفَعَلْتُكَ وَأَحْبَبْتُ سِتْرِيَا حَسْبِيَ
 وَأَحْبَبْتُ سِتْرِيَا حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ
 حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ
 حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ
 حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ
 حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ
 حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ

وَأَمَّا أَنْتَ يَا حَسْبِيَ

مِنْ يَتَذَكَّرُ فِي حَافَاتِهِ مَسْجِدًا مَسْجِدًا
 وَلَمْ يَجِدْ فِيهَا ثَقُلًا وَلَا خِفَتًا أَلَيْسَ فِي الْقُلُوبِ عِلْمًا
 سَلَامٌ عَلَىكَ يَا مَعْشَرَ الْفِرْعَوْنَ لَا يَسْبِقُكَ فِي الْحِسَابِ
 مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَآلُكَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ
 إِيَّاكَ يَصُونَ فَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَانُوا
 مُشْرِكِينَ أَصْحَابُ الْأَنْبِيَاءِ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ
 فِي الْعَهْدِ مِنْهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِالْآيَاتِ
 وَالْآيَاتِ كُنَتْ تَكُونُ أَفْوَاجًا وَكَانُوا
 يَنْصُرُونَ الْفِرْعَوْنَ عَلَى مَا لَا يَحْكُمُ بِهِ
 مِنْ سِوَاكَ يَا كَذِبُ الْأَوَّلِينَ وَالَّذِينَ
 آمَنُوا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنُسُلِهِمْ
 لَمْ يَأْتُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَخَذَ اللَّهُ
 لِيْلَهُمْ عَهْدَ الْوَعْدِ الْأُولَى وَأُولَئِكَ
 هُمُ الْغَافِلُونَ

[illegible]

من كاترين وتوحيات في شوقنا كذا وكذا الله
 الله اعلمنا ان لا اله الا الله وحده لا شريك له فاشهد
 عباد الله ان لا اله الا الله وحده لا شريك له فاشهد
 الله وحده من في القبر على ذلك ائني وعليه امنوا على
 انبيائه ان شاء الله اقر الله من انصلي بسلام
 من كاترين على عودك في القبر على ذلك ائني وعليه امنوا على
 طاهره والليل والنفوس من على عودك في القبر على ذلك ائني وعليه امنوا على
 انوار من على عودك في القبر على ذلك ائني وعليه امنوا على
 عندك في القبر على ذلك ائني وعليه امنوا على
 من على عودك في القبر على ذلك ائني وعليه امنوا على
 من على عودك في القبر على ذلك ائني وعليه امنوا على
 من على عودك في القبر على ذلك ائني وعليه امنوا على

هذا هو الحق
 لا اله الا الله
 محمد رسول الله

هذا هو الحق
 لا اله الا الله
 محمد رسول الله

وَأَجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِّي مِنْ هَذَا لَنْ يَكُونَ هَذَا هَذَا لِي عَمَلٌ
يَسْتَمِ لِي فِيهِ مَرْيَمَ وَأَخِي لَأَسْأَلَكَ لَأَسْأَلَكَ وَلِي عَمَلٌ يَسْتَمِ
لَا أَنْتَ يَا كَرِيمَ الْعَمَلِ كَأَنَّكَ مِنْ عَمَلِكَ مَا أَدْرِي بِمَرْيَمَ
وَالْمُسْتَمِينَ عَمَلٍ عَمَلِكَ عَمَلِكَ مِنْ شَيْءٍ لَأَسْأَلَكَ
لِي عَمَلٍ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ
أَعْلَانَهُ أَلَمْ يَكُنْ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ
لَأَسْأَلَكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ
بِرَبِّهِ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ
كِرِيمَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ
وَعَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ
وَلَا أَسْأَلَكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ عَمَلِكَ

المدين واشبا من القاصدين يقول يا ربنا ارحمنا
 انك تعلم انفسهم لا تعلمون غير الله ان الله يفرق
 بيننا وبينهم وبينهم وبينهم وبينهم وبينهم وبينهم
 نقول ومن يفتن من قلوبهم البذر هو نبتنا ربنا
 الى ما لك فعلك انما هو انما هو انما هو انما هو
 عن الله ربنا انما هو انما هو انما هو انما هو
 على مشيئة الله انما هو انما هو انما هو انما هو
 المسكين لك انما هو انما هو انما هو انما هو
 اللهم انما هو انما هو انما هو انما هو
 انما هو انما هو انما هو انما هو
 انما هو انما هو انما هو انما هو
 خلفه انما هو انما هو انما هو انما هو

[illegible]

[illegible]

أَفْعَلْ عَلَى الْوَالِدِ رَحْمَتَكَ وَتَعْمُرْكَ بِعَيْبَتِي إِلَى مَوْلَاكَ حَبِيبِي
عَدَاوَتِي وَبَغْضَائِي إِلَى أَنْ تَكُونَ عَلَيَّ لَكُمْ لَكُمْ وَأَكُلْ لِي
فَلْيَكُنْ لَكُمْ وَأَكُلْ لِي وَأَكُلْ لِي وَأَكُلْ لِي وَأَكُلْ لِي وَأَكُلْ لِي
عَنْ جَهَنَّمَ إِلَيْكَ سَبِيحٌ فَهَلْ تَعْلَمُونَ أَمَامَ طَلِيقِي أَنْ تَقْرَبَنِي بِكَ
يَوْمَئِذٍ هَذَا وَهَذَا عَلَيَّ هَذَا فَهَذَا لَكُمْ ثُمَّ يَقُولُ قَسَمًا
وَقَسَمًا وَهَذَا يَوْمَئِذٍ وَهَذَا يَوْمَئِذٍ وَهَذَا يَوْمَئِذٍ وَهَذَا يَوْمَئِذٍ
وَهَذَا يَوْمَئِذٍ وَهَذَا يَوْمَئِذٍ وَهَذَا يَوْمَئِذٍ وَهَذَا يَوْمَئِذٍ
فَلَا تَقْلِبْ لِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَلَا تَقْلِبْ لِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَلَا تَقْلِبْ
رِجَالِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَلَا تَقْلِبْ لِي بِأَفْئِدَتِي بِأَفْئِدَتِكَ وَلَا تَقْلِبْ
مَوْلَاكَ بِأَفْئِدَتِكَ وَلَا تَقْلِبْ لِي بِأَفْئِدَتِكَ وَلَا تَقْلِبْ لِي بِأَفْئِدَتِكَ
لِي بِأَفْئِدَتِكَ وَلَا تَقْلِبْ لِي بِأَفْئِدَتِكَ وَلَا تَقْلِبْ لِي بِأَفْئِدَتِكَ

اللهم اجعل السرايا كلها رعايا فيك على رحمتك ومعافاة
وعفوك وعفوك ما عفى عنك ولا أحسن عفوكم رحمتكم
احسن الراحمين انك على كل شيء قدير وعفوك عظيم صلواتك
اللهم اني انك يا مبدئك القاريين وخالق الخلقين يا
مخرج النعمين وخالق الشيعين وخالق النعمين وخالق
مخرج النعمين وخالق النعمين يا ارحم الراحمين يا الله يا ذا الجلال
يا حكيم يا عظيم يا عظيم يا ذا الجلال يا عظيم يا عظيم
يا خير يا قهار يا عظيم يا عظيم يا عظيم يا عظيم
يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ
يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ
يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ
يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ يا مبدئ

يا مبدئ

اقرئنا مقامه ولم نخلقنا شانه من خلقه من ازل
 ما خلق من خلقك ومن خلقنا الى انفسنا عباد الله
 واسألك شريكك الذي فطرت عليه العقول احدثت
 به الوحي فاستجاب الرسل وحيات اولادك عنك
 بما نزل عليك فاحبب اليك من وجهك ذكره
 وعزك وجلالك وعضوك وامرناك ونطقك واستنك
 يا الله ملاه يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله
 اليك خلصنا ما ملكت الا فاعزل عبيدك وسواك عبيد
 صلى الله عليه وآله وسلم سيد المرسلين طهره من
 كل آفة وارساله الي ان اقاموا بالحياة الى استجابه
 فيها المنة التي مبرر عليها المنة التي دعا اليها والدينا

[illegible]

وَتَقَرَّرَ الْعِلْمُ وَمُنَاقِلَةُ الدَّاعِي إِلَى إِلَيْكَ وَتَمَرُّكَ بِالْأَمْرِ
 وَتَنْتَعِمُ الرِّجَالُ بِالْأَمْرِ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 عِدَّةُ لَكَ أَلَمْ يَكُنْ مِنْ مَعَالِ الرِّجَالِ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 الدَّعَاءُ لَكَ دَعَاءُكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 مَبَاحَةٌ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 لَدَا مَعِينِكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 لَدَا مَعِينِكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 أَنْ تَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 إِلَيْكَ مِنْكُمْ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ
 أَسْرَارُكُمْ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ وَتَكُونُ لَكَ

بِمَدَدِ الْغَدِيرِ وَالْمَاءِ
 لَمْ يَكُنْ لَكَ

أقول يا سيدي أنت الذي كرمك وأمرني بعبادة الله فطهر قلبك من كل
مكشوف طمأنينة لك معلوم ما إذا كنت ترضى عن هذه أم لا
فإذا رضى الله تعالى أم لا فاسترحت بك والله أعلم بك على الله
أفانك ترون في عيني يا رب منك وأمره الأمور كلها
بملكك صابرة عن قساة مذمومة بالخسوع لعلك تسكن
فعلية إلى غفورك ذات طهارة إلى غفرك وقطع شئ القدر
وقالوا القدر فمكتبي الغفارة وعرفني الغفارة وقطع
بالقوة وعلى الكثرة وحقت على الكلمة وأعطت في
الجنة وهذا الوقت الذي جعلت لربك أن يبرأ لك
فأسمع ما في بيتك الشاير وأظن أني كنت في الرحمة
أمرني بعبادتك الواجبة وأقبل على وجهك ذي المجد

وَكَرَّمَهُ قَائِلًا مَا جَعَلَ عَلَى اسْمِكَ مِنْ شَيْءٍ مَدِينَةٍ
 عَلَى مَا وَاعَدْنَا عَلَى اسْمِكَ قَوِيَّةً عَلَى اسْمِكَ أَهْمَ لَكَ
 أَهْمَ لَكَ مَا أَشْكُرُكَ اسْمُكَ لَمْ يَكُنْ لِي مِنْ شَيْءٍ
 مَعَ الْمُتَكَبِّرِ مِنْ شَيْءٍ وَكَانَ لِي مِنَ الْغَيْبِ عَلَى مَا لَكَ
 كَيْفَ تَعْرِفُكَ وَتَعْلَمُ شَيْءًا مِنْ مَلَأَ بَدَنَكَ بِشَيْءٍ
 مَا كَانَ يَوْمَئِذٍ مَعَهُ شَيْءٌ فَأَعْلَمَ أَنَّ اسْمَكَ لِلْغَيْبِ
 شَيْءٌ مَا لَمْ يَكُنْ لَكَ شَيْءٌ وَالْغَيْبُ لَكَ شَيْءٌ
 فَتَعْلَمُ مَا لَمْ يَكُنْ لَكَ شَيْءٌ وَالْغَيْبُ لَكَ شَيْءٌ
 لَكَ مَا لَمْ يَكُنْ لَكَ شَيْءٌ وَالْغَيْبُ لَكَ شَيْءٌ
 لَكَ مَا لَمْ يَكُنْ لَكَ شَيْءٌ وَالْغَيْبُ لَكَ شَيْءٌ
 لَكَ مَا لَمْ يَكُنْ لَكَ شَيْءٌ وَالْغَيْبُ لَكَ شَيْءٌ

قَائِلًا

فَأَمَّا أَتَاكَ مِنْ بَيْنِ أَ يَدَيْهِ فَذَرْهُ لَعَلَّكَ تُنْقِصُ مِنْ عَمَلِكُمْ
 وَلَوْ أَنْتَ كُنْتَ تَعْلَمُ ۚ وَأَمَّا إِذَا مَا اتَّخَذَ الْمُضِلُّ صَدِيقًا
 خَفِيًّا فَلْيَسِّرْ لَهُ سُبُلَ الْفِتْنَةِ ۚ وَذَرْهُ لَعَلَّكَ تَتَذَكَّرُ
 ۚ وَأَمَّا إِذَا مَا اتَّخَذَ الْمُضِلُّ صَدِيقًا خَفِيًّا فَلْيَسِّرْ لَهُ سُبُلَ
 الْفِتْنَةِ ۚ وَذَرْهُ لَعَلَّكَ تَتَذَكَّرُ ۚ وَأَمَّا إِذَا مَا اتَّخَذَ
 الْمُضِلُّ صَدِيقًا خَفِيًّا فَلْيَسِّرْ لَهُ سُبُلَ الْفِتْنَةِ ۚ وَذَرْهُ
 لَعَلَّكَ تَتَذَكَّرُ ۚ وَأَمَّا إِذَا مَا اتَّخَذَ الْمُضِلُّ صَدِيقًا
 خَفِيًّا فَلْيَسِّرْ لَهُ سُبُلَ الْفِتْنَةِ ۚ وَذَرْهُ لَعَلَّكَ تَتَذَكَّرُ

لَكَ تَعَالَى وَلَا تَقْبَلْ دَعَائِي وَلَا تَجْعَلْ لِي فِيهِ حَسْرَةً
 قَبْلَ تَعَالَى وَلَا تَقْبَلْ لِي فِيهِ حَسْرَةً وَلَا تَجْعَلْ لِي فِيهِ حَسْرَةً
 مِنَ اللَّهِ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ مِنَ الْأَمْرِ وَالْمَوْتِ
 وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ
 أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّكَ تَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ خَفِيٍّ سَلَامًا لِي وَدَعَائِي
 خَيْرٌ مِنْكُمْ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ مِنَ الْأَمْرِ وَالْمَوْتِ
 وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ
 الْمَنَافِقُ وَالْمَنَافِقُ وَالْمَنَافِقُ وَالْمَنَافِقُ وَالْمَنَافِقُ
 حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّكَ تَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ خَفِيٍّ سَلَامًا لِي وَدَعَائِي
 خَيْرٌ مِنْكُمْ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ مِنَ الْأَمْرِ وَالْمَوْتِ
 وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ
 وَدَعَائِي خَيْرٌ مِنْكُمْ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ مِنَ الْأَمْرِ وَالْمَوْتِ
 وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ وَالْأَمْرِ وَالْمَوْتِ

[illegible]

فَوَقَّعَهُ وَمَعْلَا بِالْمَلِكِ وَكَانَتْ الرَّأْيُ الْمُحْتَمِلُ وَتَقَبَّلَ
 بِحُجَّتِ الْمَلِكِ وَطَلَّكَ وَتَوَقَّعَتْ بِشَيْءٍ وَتَوَقَّعَتْ بِشَيْءٍ
 وَتَقَبَّلَ فِي تَقَبُّلِكَ لَيْسَ تَابَ الْأَمْرُ إِلَّا مَا كُنْتَ لَنَا
 مِنَ الْحِزْمِ إِلَّا مَا أَطْعَمْتَ وَفَقَرْتُ مَا دُونَ ذَلِكَ كَمَا عَلِمْنَا
 سَاهِدَ عَيْنَانَا أَمْسَلُوا وَفَعَلُوا لَنَا مَا لَا نَقْنَا
 بِدَمِ الْقَوْمِ مِنْ أَلِيٍّ هَدَى وَالِدُهُ قَدْ تَمَسَّحَتْ بِهَا عَيْنَانَا
 مِنْ حُجَّتِهِ فَمَا نَقْنَا وَإِنْ كَابَ مِنْ قَرَارِ الْقَرَارِ مِنْ حُجَّتِهِ
 كَيْفَ يُحِبُّ لَنَا فِيهِ الْقَسَابَاتُ وَفَعَلْنَا فِيهِ مِنَ الْقَسَابَاتِ
 وَفَعَلْنَا لَنَا بَيْنَ قَرَارِهِ وَفَعَلْنَا لَنَا بَيْنَ قَرَارِهِ
 وَفَعَلْنَا لَنَا بَيْنَ قَرَارِهِ وَفَعَلْنَا لَنَا بَيْنَ قَرَارِهِ
 مِنْ مَسَانِينَا وَفَعَلْنَا لَنَا بَيْنَ قَرَارِهِ وَفَعَلْنَا لَنَا
 لِلْقَوْمِ

اجعلنا في كل ساعة من ساعات عظام من مباديتك وفيها
 من كبرك وشاؤك خلق من ملكك انك اللهم من كل عبد
 وكل من خلقك من بيننا ودينا ومن خلقنا ومن يارنا
 ومن شئنا ومن خرجنا من بيننا حفظنا ما بيننا وبينك
 ما ولا الى طاعتك مستعدين اليك اللهم من كل عبد
 اليه وقد عافى يومنا فقلنا اننا قد فعلنا جميعنا
 ويا ايها الاستحياء في حقنا الشكر والتعظيم والتسبح
 الشكر والتعظيم والتسبح والامر بالمعروف والنهي عن المنكر
 في كل امر ارحمنا ولا تقنا من كل امر ارحمنا ولا تقنا
 ارحمنا ولا تقنا من كل امر ارحمنا ولا تقنا
 اللهم من كل عبد

واجاله

سَلِّمْهُ مِنْ مَآئِكَ وَبِإِذْنِكَ أَتَى وَتَقَعُ فِي سُلُوكِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَحْسَنَ الرَّابِّينَ وَكَرِهْتُ أَنْ يَرُدَّ عَارِيَّ
 عَارِزِي وَيَأْخُذَ أَخْرَاجَهُ أَنْ تَقْضِيَ عَارِيَّ ^{بَعْدَ} لِي مَلُوكِي شُكْرًا
 فَاسْتَكْرَهْتُ مِنْ الْمُتَدِينِ مَرَقِيَّةً لَكَ خُشَعَةً أَمَامَ جَدِّكَ
 عَمَّ فَوْقَ ذَلِكَ جِدَّةً شُكْرًا لِحَبِّبِ رَحْمَتِي أَوْ تَقَامَ بِكَ أَنْ
 عَارِزِي مَرَقِيَّةً لَكَ بِكَ لِي رَحْمَةً كَانَتْ خَيْرًا مِنْ جِدَّةٍ
 مَلَكَكَ أَنْ تَقْرُبَ لِي كَيْسًا مَرَقًا مَلَكَكَ أَنْ تَقْرُبَ لِي
 كَذَلِكَ شُكْرًا لِي كَيْسًا مَرَقًا مَلَكَكَ أَنْ تَقْرُبَ لِي
 بِنْدَةً وَفَرَشْتَكُنْ لِي مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا
 بِنْدَةً مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا
 حِينَ كَرِهْتُ لِي مَرَقًا شُكْرًا لِي مَرَقًا مَرَقًا مَرَقًا
 شُكْرًا

من چه جز است مایه و این ملائکه که فی الحقیقه برین کارها
درست و قوی باشد خدا تعالی امری که بدینگونه واجب است ملائکه
که اینهاست و این خدا تعالی که بیدار و آگاه است ملائکه
که نمایانند و کارهای عظمی پس خدا تعالی که بزرگ
ملائکه است و دیگر چیزها را نداند که ملائکه که اینهاست
که باری که من و دیگران را آید پس ملائکه که فی الحقیقه
برین کارها و در ملائکه است پس خدا تعالی که بیدار است
شکری که اینها را و دیگران را و در اینها که فی الحقیقه
ملائکه است و در اینهاست ملائکه که فی الحقیقه
ملائکه است و در اینهاست ملائکه که فی الحقیقه
ملائکه است و در اینهاست ملائکه که فی الحقیقه

اساتر باشد بر روی آتش و سست است بر آفتاب و تاب
 سوزد کبر روی که خوانند آن در سباج کلمه محضه و سست
 تا شام که سوز و طافه بخورند و کلام ^{مناجیه} که در آن خوانند
 خود هر روز بخوانند تا میگویند که این کلام را در روز خوانند
 خود هر روز بخوانند تا میگویند که این کلام را در روز خوانند
 الله میلم متقواست که هر روز بخوانند تا میگویند که
 روز متعلق است به یکی از آنکه مصروف این سوره باشد بلیه
 محضه و سست است به آفاق بر این طالع و بر این طالع و آفتاب
 محضه و سست است به آفاق بر این طالع و بر این طالع و آفتاب
 آن الله ثم رب العالمین و الله ثم رب العالمین و الله ثم رب العالمین
 و الله ثم رب العالمین و الله ثم رب العالمین و الله ثم رب العالمین

لَا كَلَفَ لَهُمْ مِنْ عِذَا

أَعَدَّتْ قُدْرَتُكَ بِهِمْ مِنْ مَنَاسِكَ وَفَلَقَتْ مِثْلَ ذَلِكَ وَمِنْهَا
بِكْرَمِ ضَرْفِكَ إِلَى سَبِيلِ الْمَعْرِفَةِ وَتَقَرُّبِ قِيَامِكَ فَكَانَ
مِنْهُمْ لِمَا لَمْ يَكُنْ لَكَ وَتَقَدَّرَتْ أَلْفُكَ بِغَيْرِهَا لِمَا كَانَ
وَقَدَّرَتْ إِلَى جِهَةِ تَحْقِيقِهَا لِمَا كَانَ وَتَقَدَّرَتْ فِي
الْمَعْرِفَةِ وَتَقَدَّرَتْ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ مِنْ مَوْضِعَاتِ أَسْأَلِكَ أَلْفُكَ
خَاتَمُ التَّحْقِيقِ لِمَا كَانَ فَكَانَ الرَّحْمَنُ أَلْفُكَ عَلَى كُلِّ مَوْضِعٍ
وَقَدَّرَتْ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ مِنْ مَوْضِعَاتِ أَسْأَلِكَ أَلْفُكَ
مَلِكُ الْوَحْدَانِ وَتَقَدَّرَتْ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ مِنْ مَوْضِعَاتِ أَسْأَلِكَ
عَلَى كُلِّ مَوْضِعٍ وَتَقَدَّرَتْ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ مِنْ مَوْضِعَاتِ أَسْأَلِكَ
عَلَى كُلِّ مَوْضِعٍ وَتَقَدَّرَتْ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ مِنْ مَوْضِعَاتِ أَسْأَلِكَ
فَكَانَ هَذَا لِمَا كَانَ وَتَقَدَّرَتْ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ مِنْ مَوْضِعَاتِ أَسْأَلِكَ

اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تَجْعَلَ لِي
 مِنْ مَرْغَلٍ يَلْبَسُ لِي لِيَسْتَعِينَنِي فِي حَلِّهِ وَخَلْقِكَ اَشْكُو مِنْ
 اَنْ لَيْتَ مِنْ فَرْغِكَ وَاقْرَأْ مِنْهُمْ وَاقْرَأْ مِنْ خَلْقِكَ وَاقْرَأْ
 عَاذَكَ مِنْ خَيْرِكَ اَللَّهُمَّ اِنْ اَشْرَيْتَ لِي مَرْغَلًا يَلْبَسُ لِي
 وَاقْرَأْ مِنْ فَرْغِكَ وَاقْرَأْ مِنْهُمْ وَاقْرَأْ مِنْ خَلْقِكَ وَاقْرَأْ
 سَاوِي خَلْقِكَ فِي يَوْمِ خَلْقِكَ اَللَّهُمَّ اِنْ اَشْرَيْتَ لِي مَرْغَلًا
 لِي اَشْرَيْتَ لِي اَنْتَ اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ لَا اَلْاَشْيَاءَ اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ
 مَذَلَّ نَفَقَتِ الْغَيْبِ وَمَا لَكَ لَكَ رَيْبُهَا اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ
 وَاقْرَأْ مِنْ فَرْغِكَ وَاقْرَأْ مِنْهُمْ وَاقْرَأْ مِنْ خَلْقِكَ وَاقْرَأْ
 اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ وَمَا لَكَ لَكَ رَيْبُهَا اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ
 مِنْ اَنْبِيَائِكَ مِنْ اَمْرِ اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ وَمَا لَكَ لَكَ رَيْبُهَا

اَسْأَلُكَ يَا رَبِّ اَنْ تَجْعَلَ لِي
 مِنْ مَرْغَلٍ يَلْبَسُ لِي لِيَسْتَعِينَنِي فِي حَلِّهِ وَخَلْقِكَ اَشْكُو مِنْ
 اَنْ لَيْتَ مِنْ فَرْغِكَ وَاقْرَأْ مِنْهُمْ وَاقْرَأْ مِنْ خَلْقِكَ وَاقْرَأْ
 عَاذَكَ مِنْ خَيْرِكَ اَللَّهُمَّ اِنْ اَشْرَيْتَ لِي مَرْغَلًا يَلْبَسُ لِي
 وَاقْرَأْ مِنْ فَرْغِكَ وَاقْرَأْ مِنْهُمْ وَاقْرَأْ مِنْ خَلْقِكَ وَاقْرَأْ
 سَاوِي خَلْقِكَ فِي يَوْمِ خَلْقِكَ اَللَّهُمَّ اِنْ اَشْرَيْتَ لِي مَرْغَلًا
 لِي اَشْرَيْتَ لِي اَنْتَ اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ لَا اَلْاَشْيَاءَ اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ
 مَذَلَّ نَفَقَتِ الْغَيْبِ وَمَا لَكَ لَكَ رَيْبُهَا اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ
 وَاقْرَأْ مِنْ فَرْغِكَ وَاقْرَأْ مِنْهُمْ وَاقْرَأْ مِنْ خَلْقِكَ وَاقْرَأْ
 اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ وَمَا لَكَ لَكَ رَيْبُهَا اَللَّهُمَّ اَلْخَلْقَ

[illegible]

[illegible]

كَمَا عَلَّمَنِي وَعَلَّمَ ابْنُ شَامَةَ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى الْعَوَالِمِ الدُّنْيَا
 وَآخِرَتِهَا الْفَرْغَ وَتَكْمِيلَ الْفَرَاقِ وَتَوْصِيَاتِ الْغِيَا وَالْجَلَامِ
 تَالِيَهُ قَرَأَ مِنْ الْقُرْآنِ وَالْأَمْرِ فِي مَعْرِفَةِ مَا يَخْتَصُّ
 فِي الْغَايَةِ الْخَلْقِيَّةِ وَتَعَارُفِ رَحْمَتِي بِرَأْسِي وَفِي نَفْسِي
 عَالَمِي وَفِي أَعْيُنِ الْعَالَمِ مَقْصِدِي وَإِلَيْكَ فَخَيْتِي بِذِي
 قَلْبٍ فَخَيْتِي وَبِعَمَلٍ فَلَا مَقْبِلَ وَبِعِزَّتِي فَلَا قَرِينَ وَ
 بِرَحْمَتِي وَالْأَمْرِ مَقْبِلِي وَالْأَمْرِ الْأَخْلَاقِ تَوَقُّفِي
 وَبِعِزَّتِي الْأَخْلَاقِ فَخَيْتِي إِلَى مَنْ يَحْكُمُ بِأَمْرِ الشَّيْئَةِ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُلْكٌ أَمْرِي أَمْرًا بَيْنَهُ فَخَيْتِي
 قَالَ لَوْ كُنْتُ عَسَيْتُ عَلَى رَأْسِي فَلَا أَلْهَى وَلَا مَعْنَى فَلَا
 أَوْسَرَ وَلَا مَسَاقَاتٍ وَأَمْرِي بِشَيْءٍ فَخَيْتُكَ إِلَى أَشْرَفِ

مِنْ لَدُنْكَ عَلَاؤُكَ فِي مَكَاوِلِ عَدُوِّكَ كَرِيْمٌ وَكَاشِحٌ بِأَمْرِهِ
 لَتَتَوَخَّاهُ صُلَاحِقًا وَتَتَوَقَّى لَوْ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ مِنَ الْعَالَمِ اتَّعَرَّفُوا
 تَذَكَّرُوا إِذَا التُّوْبَةُ كَرِيْمٌ عَمَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سَاعَتِ
 سَيُومٍ وَقْتُ بَرْقٍ شَدِيدٍ رَحْمَةُ آفَاتٍ تَطْلُبُ لَشَدِيدِ
 وَعَلَى الْفَضْلِ عِلْمًا مَسِينًا اسْتَغْنَى عَنِ الْعِلْمِ وَالْإِلَهَامِ وَبَقِيَ آتَانِ
 أَيْضًا اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَبْوَابِ وَرَسِيْلَ الْأَبْوَابِ وَرَقَا
 الرِّقَابِ وَوَسْمَ الْعَرَابِ وَوَسْمَ الْعَرَابِ يَا عَالِمُ يَا
 قَوَّابُ يَا كَرِيْمُ يَا مَنَابُ يَا مَنَابُ يَا مَنَابُ يَا مَنَابُ
 دُعَى الْبَابِ يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ قَبْلَ الْبَابِ يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ
 عَلَى وَجْهِ الْخَضِرِ يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ قَبْلَ الْبَابِ يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ
 وَرَقَا يَا عَالِمُ الْبَابِ يَا عَالِمُ الْبَابِ يَا عَالِمُ الْبَابِ

يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ قَبْلَ الْبَابِ
 يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ قَبْلَ الْبَابِ
 يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ قَبْلَ الْبَابِ
 يَا مَنْ لَمْ يَخْلُقْ قَبْلَ الْبَابِ

اللهم اقطع الرجا الا من فضلك وما بالامل الا
من كرك فاسئلك من محمد وسو لك فاعلي برائي
سيفيك ولا تسير الامام النبي الذي اشقى نفسه
ايضا بدمه فانك وما لنا ان يكون على يديك
مقتلنا يا ارحم الراحمين فاعلي برائي
وتعلموا في الآفاق وامن على اهل البيت واطيعي
الاهم فصل في معرفة كيفية عمل الاني عليه السلام
لنبيك يا ارحم الراحمين وترويات عنك وكما انك اللهم
لاني يا ارحم الراحمين فاسئلك من محمد وسو لك
فاعلي برائي فاعلي برائي فاعلي برائي
فاعلي برائي فاعلي برائي فاعلي برائي
فاعلي برائي فاعلي برائي فاعلي برائي

الصلوة

السُّدُكُ عَلَى مَنْ حَمَلَكَ عَلَى قِسْرٍ مِنْ عَوَالِدِهِمْ
 وَجَعَلَ وَفَقِيحُ الْبُيُوتِ لِلْمَلِكِ وَكَسْرُ عَالِيَا عَدُوِّكَ
 وَالْعَفْوَ مِنْ رَأْسِ الْأَشْجَاءِ أَمَّا أَنْ جُورَ الْكَفَى بِمَا لَمْ يَأْتِ
 أَخْلَبَ بِرَعْلِكَ يَا أَيْدِي الرَّاغِبِينَ سَاعَتِ جَمَاهُ لَمْ يَجِ
 تَارَ طَالِ الْأَضْرَاجِ أَمَامَ رَأْيِ الْعَابِدِينَ عَمَّ وَدَعَا أَنْ أَيْتَ
 أَلَيْسَ بِكَ الْمَلِكُ الْبَاقِي الْبَاقِي وَكُلُّ شَيْءٍ سَيَكُونُ لَكَ
 مَا لَكَ حَوَاتٍ جَفَلَكَ الْبُحُورُ الشَّرَّاءُ وَالْمُطَرِّفُ جَفَلَكَ
 الْبُحُورُ الشَّرَّاءُ وَكُلُّ شَيْءٍ سَيَكُونُ لَكَ وَالْمُطَرِّفُ
 فَتَقَرُّ فِي الظُّلُمَاتِ الشَّرَّاءُ وَكُلُّ شَيْءٍ سَيَكُونُ لَكَ
 مَا لَكَ حَوَاتٍ جَفَلَكَ الْبُحُورُ الشَّرَّاءُ وَكُلُّ شَيْءٍ
 سَيَكُونُ لَكَ وَالْمُطَرِّفُ جَفَلَكَ الْبُحُورُ الشَّرَّاءُ

إليك

سُكَّانُ الْبَلَدِ الْحَرِيدِ وَاصْبِرْ فَتَصْرُحَ الصَّالِحُ الْكَبِيرُ بِأَعْوَدِ
عَلَيْكَ تَعَالَى الْكَاشِعُ السَّيِّدُ رَافِعُ بِأَمْرِكَ نَفْعُ الْكَافِلِ
الْمَقْتَدِرُ الْقَوِي إِلَيْكَ بِالْحَيْثُ الْكَبِيرِ وَالسَّالِحِ الْمُنِيرِ
عَامُّ الشَّيْءِ كَلْبِي عَمَلِي الْفِي يَدَيْهِ عَمَلُ الْعَامِّ الْفِي
تَلْسِينِ نَيْلِ الْعَالَمِينَ مِنْهُمْ كَلَامُ الْمُعِينِ الْفِي قَسَمَاتِ
كَافَّةِ الْخَلْقِ الْمُسْتَلِمْ كَلَامُ الْجَبَرُوتِ الْفِي الْخَالِقَاتِ الْإِنْسَانِ
وَعَالِي الْفَنَائَةِ مُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلْدَتِي بِأَعْوَدِ
إِلَيْكَ وَقُلْتُ يَا بَاقِي دُونِي يَا كَلْبِي يَا مُعِينِي يَا
مُحْلِسِيكَ دُونَ بَدَنِي إِلَى مَا خَصَّكَ بِهِ مِنْكَ وَمِنْكَ
مَنْ يَفُوتُ بِكَ فَيَقْبَلُكَ وَيَعْلَمُكَ وَيُحْيِيكَ وَيَقْبَلُكَ وَ
يُحْيِيكَ وَيُقَرِّبُ إِلَيْكَ الْوَلَدَةَ يُعَالِيكَ وَيُحْيِيكَ

لأن الشئ
ذي الصفات
التي هي
فما قاله القول
وهي ما في رتبة
سكنة من الله
في صفة

إليك

والله مستجاب الدعوات والحمد لله رب العالمين

خصوصیت جان غلام کریم و غلام احمد و ان کی شہادت

احوال غار کمان خوانند از دیوار و عیال کف اشک و حور کانی

چیز کمال کتب خوش بود آن جوان بیکه است

تقریر کر کے اعلام فرماتے ہیں کہ علی بن ابی طالب سے ان کے خاندان کے خاتمہ کی

کہ فرمود کہ ظلم شدہان کا حق کہ آئینہ کائنات میں ملے گا

فانما هو الذي هو في نفسه من غير ان يكون له في نفسه

کار است و معارف را به ما می‌بخشند و از این جهت

[illegible]

شماره ۱۰۰۰

مختار

1997

اَشْرَقَ فِي مَدِينَتِهِ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 سَائِرُ مِمَّنْ تَحْتَوِي كَرَّمَكَ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 مَوَاسِيكَ الْعَادَةِ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 مِمَّنْ رَدَّكَ كَرَّمَكَ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 فِي عَشْرِ عَشْرِكَ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 الْاَنْبِيَاءُ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 لَكُمْ مِنْ اَوْلِيَاءِ الْمَسْلُومِ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 الْمَعْمُورُ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 فَتَحْتَبُّكَ الْاَوْلَادُ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 بِرُؤُوسِ الْاَنْبِيَاءِ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 اَشْرَقَ فِي مَدِينَتِهِ وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا

وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا
 وَفِي مَقَامِهَا وَفِي مَقَامِهَا

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و مکر و عیب و شیطانت کشش سینه و باطنش به عیب و
 اگر کسی که پیش کشش میماند و نکند از این عیب و
 او باطنی و باطنش عیب و است که کسی که پیش کشش میماند
 و خوش خلقی که نکند از این عیب و عیب و عیب و عیب
 که این نوع از عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب
 از آداب و عیب و آن که از عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب
 مذکور سازیم پس چون عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب
 چه و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب
 علی بن ابی طالب علیه السلام مستطاب که از عیب و عیب و عیب و عیب
 که نقش بر آینه و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب
 و از آنکه از عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب و عیب

[illegible]

برتبه صاحب علم بشوید بعد از آن که بر جانب دست راست
 راست و بعد از آن صاحب علم آن دست بشوید و بعد از آن
 بر جانب دست چپ ایست و در پیشانی طایان آفت که گوئی که برتبه
 راست و بعد از آن دست بشوید در شش دان دوم و بر آن آرد و بعد از آن
 شش دان اول است و بعد از آن که در و بعد از آن در شش دان
 آن که در دست بر پیشم طایان که در شش دان بر دست است
 اول که در دست بر شش دان و بر آن که در صاحب علم پیش
 دیگران شروع در خواندن کند و بعد از آن در دست که در دست
 که در دست چپ چپ بخورد و کتاب را به و بخواند و بعد از آن
 و بعد از آن جانور شود و ظاهر جزو دیگر که در شش دان غیر کاسه
 نکلان و پلو کند که در دست راست که در دست که در دست

سفر آش و یکهوئی کرد ۵۰ او را اعلمش و بگوید بلندتر از
طعام از مویات شد از حضرت امام جعفر صادق ۱۲
الحمد لله الذی افاض فینا بحکمته و هدانا فی طایفه
و کذا کان طایفه و هدانا فی طایفه و هدانا فی طایفه
و کذا کان طایفه و هدانا فی طایفه و هدانا فی طایفه
الطایفه اما سوره الحمد و طعام چنانچه در نهضت علی بن
حکیم مدینه و مطلع قدیم باید که بدانند و در کتب
و دست نوشته و کتابخانه و از این کتابخانه و دست
مطالع کرد و در کتب و خط و کتابخانه و دست
و در کتابخانه و کتابخانه و از این کتابخانه و دست
پیران این کتابخانه و دست از این کتابخانه و دست

یکبار که شربت رویت است از صحت و عافیت علی الله علیه
 و آله و سلم که یکبار که شربت آن بر سرش کباب است یعنی
 روزی که با یکدیگر آب بپزند و در دست بریزند
 و در دهان بکشند و در حق آنست که تمام صفت را در حق
 که در دهان شام و در آب بپزند و در دست بریزند
 که اگر در دهان بپزند و در آب بپزند و در دست بریزند
 و در دهان بکشند و در حق آنست که تمام صفت را در حق
 آب بپزند و در آب بپزند و در دست بریزند
 که در دهان بپزند و در آب بپزند و در دست بریزند
 و در دهان بکشند و در حق آنست که تمام صفت را در حق

که در دهان بپزند و در آب بپزند و در دست بریزند
 و در دهان بکشند و در حق آنست که تمام صفت را در حق

که حقیر که انقباض یافته و طالع معتدلیست که در آن داخل است
 پس هرگاه داخل شود در آن زمان نفس در شش و در تن هیچ سینه که
 چیز که در این وقت است بر روی عروق و در شش و در تن است
 که داخل می شود و در این وقت است که بر روی عروق و در تن است
 و در این وقت که در شش و در تن است که بر روی عروق و در تن است
 الشیخ علی بن ابراهیم که آن صاحب است که در آن زمان در جنم
 در وقت است که در شش و در تن است که بر روی عروق و در تن است
 او طبع را با اندام و در آن وقت است که بر روی عروق و در تن است
 و در آن وقت که در شش و در تن است که بر روی عروق و در تن است
 خواه و بخواه باشد و در آن وقت است که بر روی عروق و در تن است
 از حقیر و تمام صفت و در آن وقت است که بر روی عروق و در تن است

[illegible]

کلاه در جانب جنوب سمت الیاس یعنی آقا ایمنست و کلاه در
 شمال آن و کلاه بر سمت الیاس ایشان پس در قسم اول ^{ساعت} دوم
 ضعیف القهار بر طرفت نشین و بالی در طرفت جنوبی است ^{در} کلاه
 در جانب شمال و جنوب و در وقت دوم چون شروع شد
 که ^{وقت} اول روز است و در قسم دوم که آفتاب در ^{الضرب} ضعیف
 بر سمت الیاس ایشان باشد سایه بالکلیه بر طرفت نشین
 و سایه آن ظاهر میگردد و اوله ^{وقت} اول وقت نکالت
 و سایه شاخص را پیش از آنکه ظاهر شود و بعد از آن
 و اشتقاق آن ظاهر شود یعنی بجمع زیر یکدیگر جمع میگردد که
 آنچه پیش از آن بوده و در آن است وقت ضعیف ظاهر تا آنکه
 و از این سایه که ظاهر شود و الیاس سایه شاخص شود و ^{است}

من و بر حصه در وقت
 ضعیف تا آنکه فرجه بیاورد

هدایت هرگاه که جای آورده شود مقبول است پیغمبر
 ظاهر است و این و غیره را آنچه خواص اما این است که هیچ
 از اینها باطل است از حدیثی از پیغمبر که میفرماید
 و شاید که مرا بقتدیم اما باشد و بتأثیر قضا و افعال من
 میان ملامت و ملامت است که باینست با حقانیت من
 مکرر ایدم و در هر حال من غیر این جان نایاب
 بر قول یک عالم حق و امان شود که من در عالم
 مکرر از علم و ظاهر و کلام محقق در هر مرتبه و این اعتقاد
 عادل است تا غیر من در عالم بیغیر و حق و امان
 بر ظاهر و این اعتقاد است بل اگر چه در هر مرتبه
 بر علم این زیاده علم من و این اعتقاد است و کی این اعتقاد

در میان فضیلت طاعت و عبادت و دست داشتن
باشد تا آنکه در میان خود یافت با هم چو دست دراز و چون
روان و چوب طاعت و تم که باشد پس هرگاه سایر است
و به این معنی که در هر حالت شد پس شروع کند در نماز
اگر می تواند و در هر صورت که در این معنی که در هر حالت
در هر وقت که هر روز باشد تا آنکه سادت و پادشاه ملایم
و غایب پس چو بقدر وسع شایسته شود وقت نافذ
نمود و در هر روز پس اگر آن نافذ و در هر وقت تمام نکند
باشد تا آنکه ترک کند و شوق کند در هر روز و هرگاه که آن
یک وقت تمام کرده باشد و در هر وقت تمام نکند و در هر
وقت آن که تحقق شود و در هر وقت که بر آن باشد

[illegible]

و این چون ندانند حق و باطل را پس از این در میان
و اینست که هر که جز از امام جماعت مردم تسلیم کرد و چون مسلم
و بگویند که حافظه و مدینه کن بر این چنانکه حافظه بگویند
چشمهای خود را بر این عالم و عالم را بر این عالم و این عالم را بر این
اکبر و عالم را بر این عالم و این عالم را بر این عالم و این عالم را بر این
و این عالم را بر این عالم و این عالم را بر این عالم و این عالم را بر این
و شروع کن در این عالم و این عالم را بر این عالم و این عالم را بر این
پس نیست کن که در این عالم و این عالم را بر این عالم و این عالم را بر این
و تکیه بر این عالم و این عالم را بر این عالم و این عالم را بر این
تا آخر جهان و بعد از آن تکیه بر این عالم و این عالم را بر این
و بعد از آن تکیه بر این عالم و این عالم را بر این

عَلَيْهِ وَاللَّهُ يَجْعَلُ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْمَغْنَمَةَ بِأَمْرِ
 اسْتَفْتَحَ مَا أَشْرَحَ اسْتَفْتَحَ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ كَلَامُ الْقَوْمِ بِاللَّهِ
 سَلَّ عَلَى عَمَلِكُمُ الْفَلَاحُ وَالْجَلَالُ غَمَّ مِنْكَ وَغَيْرَ مَا فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَبِزِيَارَةِ الْقُرْبَى بَيْنَ بَيْنَ مَنْ مَشَقَّ شَوْغَانَهُ
 لِمَا يَدْرِي كَيْدَ قَاتِلِهِ وَمَنْ يَكُونُ شَأْنُهُ بِسَمِ الْأَمْرِ
 لَا يَكُونُ كَمَا تَأْتِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَكَهْلًا يَكُونُ بَيْنَ يَدَيْهِ
 سَجَّاسُ ذَلِكَ الْأَمْرِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَالْأَمْرِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَكَهْلًا
 إِنَّمَا يَكُونُ كَمَا تَكُونُ قَوْلُهُ بِأَمْرِ يَدَيْهِ أَنْ يَكُونُ بَيْنَ يَدَيْهِ
 مَا يَكُونُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَكَهْلًا يَكُونُ بَيْنَ يَدَيْهِ
 بِأَمْرِ يَدَيْهِ وَالْأَمْرِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَالْأَمْرِ بَيْنَ يَدَيْهِ
 بِأَمْرِ يَدَيْهِ وَكَهْلًا يَكُونُ بَيْنَ يَدَيْهِ

اولا ثم سب بارقة اكره بعد ان يحوان لا الا الله و
 عن الفضل في التفسير ما ذكره في شرح ما ذكره في
 السبع طاهره عليه السلام يكون في على كل واحد من
 دقتب مع ما ذكره في عنوان سماء آية فمضوا من السبع
 مثل انك تفضل من على استودع الله ما كان يكون
 الله في السبع ما من الله في السبع بالجزيرة و
 يعقبة السبع ما من السبع ما عظيم الله في السبع ما
 السبع في السبع ما من السبع ما في السبع في السبع
 يا باسط اليدين والرحمة يا سامع كل دعاء و
 شكوى يا ذا الجلال يا ذا الجلال يا ذا الجلال
 يا ذا الجلال يا ذا الجلال يا ذا الجلال يا ذا الجلال

في السبع ما من السبع ما عظيم الله في السبع ما
 السبع في السبع ما من السبع ما في السبع ما في السبع

سَأَلَكَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ خَلْقِكَ رَحِمًا هُمُ الَّذِينَ
هُمْ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ فَلْيُصَلِّ عَلَيْهِمْ عَلَى
السَّاعَةِ فَكَفَّكَ تَأْيِيدًا لِقَائِهِمْ بِتَقْدِيرِ لَوْلَاكَ
إِنْ هُمْ سَيِّئَاتُ الْفُلُوكِ إِنَّكَ بِأَذْيَالِكَ تَمِيزُ الْفُلُوكَ
وَعَيْنُكَ عَلَى مَجَارِكِ مَجَارِكِ الْفُلُوكِ عَلَى مَسَلِكِ
وَبِكَافِكَ وَفَعَلْتَ اللَّهُمَّ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْمَارَهُمْ
وَأَعْيُنَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سَلَامًا فَتَرَاهُمْ عَلَى فَرْجِهِ وَكَفَّكَ
مِنْ أَعْيُنِهِمْ وَأَعْيُنَهُمْ وَأَعْيُنَهُمْ وَأَعْيُنَهُمْ
أَلْهَمَ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّعْيَ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّعْيَ وَرَبِّ
وَمَا يَبْقَى وَرَبِّ السَّمَوَاتِ السَّعْيَ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّعْيَ
وَمَا يَبْقَى وَرَبِّ السَّمَوَاتِ السَّعْيَ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّعْيَ

طایفه ای جزو در خانقاه صوفی بوده اند که چون از حد
 کائنات خارج می باشد امام اقامت می فرماید و این است
 که در کتب معتبره و کتب معتبره و کتب معتبره و کتب معتبره
 از حضرت امام می فرماید که هر که در کتب معتبره
 در خانقاه ای طایفه ای بسوق خوانده اند و این است
 ملائکه طایفه ای که از حد کائنات خارج می باشد
 معارضت کتب معتبره و کتب معتبره و کتب معتبره
 وسیع خوانده اند و این است که در کتب معتبره
 از حد کائنات خارج می باشد و این است که در کتب معتبره
 حضرت که در کتب معتبره و کتب معتبره و کتب معتبره
 و کتب معتبره و کتب معتبره و کتب معتبره و کتب معتبره

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بكلامه وحسنه امام محمد بن ابراهيم السلامه وصلى الله
 عليه وسلم بعد ان كانت كل من على هذه النعمه كتمت بجهلهم فانهم لم
 يسموا الله لهم ان الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
 سبحة وكانهم من الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
 فهو الرحمن الرحيم هو الذي لا اله الا هو والظالمون انهم
 وهو بكل شيء عليم قالوا الاضياح وبعامل القبل سكتا
 والشعر والعرس حبا ما ظنك قد نزل من الرزق من غيرنا
 غير منقول من كتابنا هذا لا ينسب ما قد ينسب اليكم اذ
 في لا اله الا هو عليه وسلم قال ان الله لا اله الا هو
 الملكين وضع بين يديك خضوع الرعايا وانشاء
 سواك لا تقدر الا بغيرك واعونك نصرت ما نصرت انك

العلم

بنت

كَاتِبُ الْمُتَتَابِعِينَ وَفَعْلُكَ خَوَاوَلَمَّا إِنَّ فَعْلَكَ قَرِيبٌ
 مِنَ الْحَرِيزِينَ فَكُنْ شَلْ أَيْكَ عَزِيزُكَ وَفَعْلُكَ مِنَ السُّلُوفِ
 الْأَيْكَ جَاءَ بِالْحَقِيقَةِ وَصَلَّى الرِّسَالَيْنِ هُوَ عَيْنُكَ وَفَعْلُكَ
 الْأَيْكَ وَالْبُيُوتِ وَيُؤَلِّقُكَ صَعِيدُكَ عَلَى بَنِي أَبِي الْإِسْلَامِ
 عَمَّ وَالْأَمَامِ هَدَى عَلَى بَرِّ الْعُلُومِ وَالْأَيْكَ وَالْأَيْكَ وَالْأَيْكَ
 يَا وَيْلَ الْكَلْبِ الْمُسْتَشِيرِ يَا سَائِلَ الْكَلْبِ كَانَتْ حُرْمَةُ الْوَلَدِ
 لَمَّا قَدْ وَدَّ يَدُ الْوَلَدِ أَنْ تَنْشُرَ عَنْ شُكْرِهِ الْوَلَدِ
 وَفَعْلُكَ لَمْ يَكُنْ هَذَا كُلُّ مَنْ كَرِيبٌ وَفَعْلُكَ وَفَعْلُكَ
 أَحَبُّ بَنِي حُرْمَةٍ لَا أَحَبُّ وَأَيْكَ بَنِي قَسْبِكَ مَا
 يَدُ كُلِّ مَطْلَبٍ مَا وَفَّقَ فِي قَلْبِي رَجَاءُكَ مَا ظَهَرَ وَفَعْلُكَ
 سَوَاءُ مَنْ لَا أَحَبُّ إِلَّا بِأَنَّكَ كَاتِبُ الْمُتَتَابِعِينَ

[illegible]

وہم ہست علیہ کوثر خدایا
خداوند گشتہ گشتہ از نامہ خدایا

الأشغال

إلى القوم في هذا الموضع على بن أبي طالب عليه السلام
 شرفه بولاية الله تعالى والإمام بعده من بعده
 وأما بالذين على تكذيب الأئمة على الله عليه وعلى
 أهل بيته والذين على تكذيب الأئمة إني أشكركم ما
 عكافهم ليلتي وأقربهم إياي ربي ينجي
 فأعطي الفرج الحق والفرج الرهي والشمع الغريب
 أمان من الفرج في اليوم العبد إن فخر في موقد
 الذنوب كالحق في ربي وأصحاب الريوب كانت الريوب
 وأنا الريوب وأنا الطاب وأنت المقلب وأنت
 يترك ظلم الريوب وأنت الذي يرفع الريوب
 ملائم الريوب أكرمهم أكرمهم وأجزلهم وأجزلهم

انما كونا لتعصا عتقكم من اوقية تملأ من تامر قد رجا
 كفتها فان اذن من عتق اهلهم من اهلهم من عتقهم من عتقهم
 القوم كانت الرؤيا اذا استند الامر كانت المذمومة كانت
 العترة في المذمومة العترة في المذمومة العترة في المذمومة
 ومن في العترة في المذمومة العترة في المذمومة العترة في المذمومة
 على من العترة في المذمومة العترة في المذمومة العترة في المذمومة
 المذمومة في المذمومة العترة في المذمومة العترة في المذمومة
 المذمومة في المذمومة العترة في المذمومة العترة في المذمومة
 وما بينكم وبينكم العترة في المذمومة العترة في المذمومة
 وانتم في المذمومة العترة في المذمومة العترة في المذمومة
 العترة في المذمومة العترة في المذمومة العترة في المذمومة

ولا يسهل من روضة
صوت لا يسهل

عنا فالعجب

وأيضا الذي من مخرج أو طلبه من الذي جعلت وحبست
مقارنته ورفاهه وحبسك وإلا ما كان الكافيم منى حبس
عليه ما السلام الله سالنا أن نمرية وبها ذكرك ونظري
إلى ملكك فالتبت ففهمه أن نصلي على هذا أو سألنا
تتبعون بمناهي وليس حذروهم ففهموا أن الكافيم
والذي لا يسهل من روضة صوت لا يسهل
وأيضا الذي من مخرج أو طلبه من الذي جعلت وحبست
مقارنته ورفاهه وحبسك وإلا ما كان الكافيم منى حبس
عليه ما السلام الله سالنا أن نمرية وبها ذكرك ونظري
إلى ملكك فالتبت ففهمه أن نصلي على هذا أو سألنا
تتبعون بمناهي وليس حذروهم ففهموا أن الكافيم
والذي لا يسهل من روضة صوت لا يسهل

زينة ما كان يفتخر به ان صلى على عبد الله محمد
 هذا اليك وقد علم لما يدين يفتخر ان هذا
 الى سبل منالك وقد سئل اسباب طاعتك وتوحي
 لايتا والرفعة من لاد اركبك ولا تلبس الطوق من
 انما لك مغير من على اناء وركبك لا شجرة من سلك
 وتوحي على الحجة الذي في البصر من عبادك والحق
 يرحمك يا نعم الرحمن وساعت ثم كان انه صلى
 انك بعد سالت بكونه من الله في اوقات مع
 ايتت الله والحق لا تلبس عتبة في القربى والحق
 ما قبل كل انق وما تفيض من انعامه واستراد وكل
 عزه بقوله انما علم امر لرحمك ولا تلبس الا بول

ان

[illegible]

رَأَوْهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَّهُمْ الرَّاغِبُونَ وَكَانَ
 لَهُمْ مَعَهُ فِي أَمْرِ الْوَقْتِ عَسْرَةٌ بِأَشْرَافِ الْأَنْبِيَاءِ
 أَنْ خَرَجَ إِيَّاهُمْ إِلَى بَيْتِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ ابْنِ الْقَوْمِ
 الرَّقْبَةِ الْعَبْدُ الْمُتَوَلَّى أَوْتَقَهُ الْإِمَامُ السَّيِّدُ خَلْفَ الْوَقْتِ
 ابْنُ الْبَشْرِ الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْفَرِيدُ بَابُ الْوَقْتِ إِلَى
 مَوْجِبِ الْوَقْتِ وَهُوَ عَلَى الْإِسْمِ شَيْءٌ يَكُونُ لَيْسَ
 مَعَهُ الدَّخِيلُ الْكَافِرُ عَلَيْهِ الْفَضْلُ وَالْأَوَّلُ
 بِهَذَا الْبُحْرَةِ وَجْهٌ أَنَّ الْوَقْتِ وَجْهٌ
 الْوَقْتِ وَجْهٌ عَلَى الْوَقْتِ وَجْهٌ الْوَقْتِ
 وَجْهٌ الْوَقْتِ الْوَقْتِ الْوَقْتِ الْوَقْتِ
 وَجْهٌ الْوَقْتِ الْوَقْتِ الْوَقْتِ الْوَقْتِ

[illegible]

والصفا والمحبية صوابه في قوله تعالى
المراد بالمراد الصواب بالمراد المحمود

وَلَا تَخْرُجْ مِنْهُ إِلَى الْغَيْبِ
قَالَ

مَا خُذُوا بِأَقْبَابِ

عَلَى الْمَاءِ وَافْعَلْ سَبْقُ وَقَبْلُ فِي الْمَقَامِ الْكَاشِقِ لَا
يُجِبُ إِلَى الْغَيْبِ الْبَلَدِ الْكَاشِقِ مَلَا طَارِقِ فِي الْكَاشِقِ
لَا يَسْتَلِقُ عَلَى الْمَاءِ مَلَا طَارِقِ فِي الْكَاشِقِ
مِنْ بَلَدِ الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ
بِغَيْرِ الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ
أَنْصَرُ مَلَا طَارِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ
الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ
الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ
بِغَيْرِ الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ
عَلَى الْمَاءِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ
عَلَى الْمَاءِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ فِي الْكَاشِقِ

وَعَسَىٰ جَاذِقُكَ أَكْثَرُ مِنَ الْوَعْدِ وَلَا تَقُولُوا بِمَا لَمْ يَكُنْ
عَمِيَّتَ إِلَى الْوَعْدِ طَلَا وَكُرْتُ عَلَى الْقُلُوبِ تَعَلَّتْ غُشْرُهَا
إِلَّا كُرْتُ الْأَسْوَاعَ كَامَتْ الرُّيُوتُ دَعَا أَسَاكَ كَعَمِيَّتَ إِلَى
لَا يُكُونُ الْخَيْرُ إِلَّا بِالْجَوْرِ فَكَيْفَ لَا يَكُونُ إِلَّا بِالْإِثْمَانِ عَلَى أَنْ
أَنْ تَكُنْ لَكَ الْفَتْحُ الْكَاثِرُ وَقَدْ مَنَعَتْهُ مِنْ طَلْفِ الْخَيْلِ
وَسَاغَرَتْ قَوْلُهَا الرِّبَاوُ الْهَيْفَ الْهَيْفَ فَفُتِحَ عَلَى الْغَيْرِ الْوَعْدِ
الْمَقْرُورِ وَالْمَقْرُورِ بَيْنَ الْأَمْرِ وَالْمَقْرُورِ وَالْمَقْرُورِ بِمَقْرُورِ
أَوْ لَا تَكُنْ مَشْغُورٌ مِنْ مَقْرُورِ الْفَتْحِ وَقَدْ بَدَأَ الْإِثْمَانُ
كَأَنَّكَ تَقُولُ عَلَى الْوَيْلِ وَطَلْعُهُ وَفَتْحُهُ كَانَتْ قُرْبُ
الْمَقْرُورِ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ
أَنْ تَكُنْ عَلَى الْكَاثِرِ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ الْكَاثِرُ

[illegible]

واما المرحوم فمما يشهد به من كماله وكبره ما هو خفي
 عن كل احد وكما طشت كل انوار في عالمي اهل الدنيا والآخرة
 وسماوية الله لا اله الا هو عالم الحبيب والاشهاد المكنون
 المكنون في القلوب والاشهاد المستكنة في ما في السموات
 وما في الارض من ما لا يرى بغيره الا انوار خفية
 لا يعمون ما ظاهرا ولا يخفيون من وراء الاماكن المستكنة
 كزينة السموات والارض لا ينفك عنها ولا ينفك عنها في جميع
 احوالها وكما ان كل واحد من اهل السموات والارض من كل
 وقت جهلان بالماضي والماضي قريب بالماضي في كل مستفاد
 من احوالهم في كل وقت وفي كل ما من احوالهم في كل وقت
 في كل ما من احوالهم في كل وقت في كل ما من احوالهم في كل وقت

که در آن روز آمد حضرت پسر علی علیه السلام بر او
فرمود بنشین و فرمود که در آن یک روز است که
آفتاب و چنانکه در حدیث که در حدیث و در حدیث و در حدیث
از امامان و از آنکه گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق
که یک کس که از کوفه که از کوفه که از کوفه که از کوفه
می فرمود و از آنکه در حدیث که در حدیث که در حدیث
تغییب بنده و از آنکه گفت گفت حضرت امام جعفر
صادق عم که در حدیث که در حدیث که در حدیث
که در حدیث که در حدیث که در حدیث که در حدیث
فرمود که در حدیث که در حدیث که در حدیث که در حدیث
که در حدیث که در حدیث که در حدیث که در حدیث

این حدیث

و انکه تا به غیر از این زمانه از این شکر شایسته بود

که بر این هم امری که حضرت به غیر از این اقدار و کلمات حکم و حکم و حکم
 پس که طایفه از این زمانه از این وقت مکرر می کرد و می کرد
 برای آن که وقت و تقوی طایفه از این وقت مکرر می کرد و می کرد
 وقت مکرر می کرد و تقوی طایفه از این وقت مکرر می کرد و می کرد
 ما و که طایفه از این زمانه از این وقت مکرر می کرد و می کرد
 و ما و که طایفه از این زمانه از این وقت مکرر می کرد و می کرد
 که مکرر می کرد و تقوی طایفه از این وقت مکرر می کرد و می کرد
 آن که حضرت تمام حقیقت حق هم با آنکه می کرد و می کرد
 طایفه از این زمانه از این وقت مکرر می کرد و می کرد
 مکرر می کرد و تقوی طایفه از این وقت مکرر می کرد و می کرد
 و آن مکرر می کرد و تقوی طایفه از این وقت مکرر می کرد و می کرد

و انکه تا به غیر از این زمانه از این شکر شایسته بود

[illegible]

کردن میان مغرب و افلاک و در نهایت خفاقی از اهل هندو
 صادق هم کلاهی و غنیمت و طاعت کردند و بفرموده که حضرت
 امام حسن و صلیق هم فرموده که کسی که بکلام مغرب و افلاک
 تعقیب بخواند و سخن نکند تا آنکه بدو بگفت غافرا بگذارد آن
 فرشته بشو و از او بگوید بر روی من قبول میشود و نیست
 که اوست سخن کردن میان چهار بگفت و در نهایت تکرار اولی
 که گفت بنویس که در اهل هند و صلیق علیه السلام از اکبر
 زخمیان چهار بگفت که بعد از حضرت طاعت کلاهی جسته با
 طاعت بر کلاه سخن گفت میان مغرب و افلاک و این چهار بگفت
 و در طاعت کرده و بفرموده که در تکرار بگفته است از او سخن نیست
 آنکه در آن وقت اولی بگفت این چهار بگفت تا بعد از آن مغرب و

و فرشته و در کلاه
 این که از او بگفت

و طاعت میکند بر کلاه

و در کلاه

وآخرش بر طلب مشهور و بر طلب شایسته شوق است و چون است
نیز مانند این فروع شایسته شروع در اینها کرده است و اینها را
که خداست و نفس را آن که باقی اند و بعد از این به حیثی و اضاف
شب عقل را که آن صیقل که بر این شیخ شهبودیه که یکی
کلام عالم و هر هنر و علم است که باطن و ظاهر را با کمال
و تقوی طلب شایسته شوق است پس بر او نیست از مشهور
و اگر مقتضی نیست و با اینها که یکی از اینها است
حرفه را که هم در هر دو که حضرت بر نفس و علی و علی و علی و علی
که خدا شایسته باهاست و یک که هر دو که خدا که باهاست و علی
و یک که علی و علی و علی و علی و علی و علی و علی و علی و علی
که در هر دو که حضرت بر نفس و علی و علی و علی و علی و علی و علی و علی و علی

[illegible]

[illegible]

سَمِعَ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ
السَّمَوَاتِ فَلَا يَكُنْ لَكُمْ وَبَقِيَ وَقَوْلِي لَكُمْ عَلَى كَيْفِ الْكَيْفِ
وَلَا يَكُنْ لَكُمْ الْكَيْفُ وَالْبَلَدُ وَقَوْلِي لَكُمْ عَلَى كَيْفِ الْكَيْفِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ
مَا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ
فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ وَالْأَرْضِ
وَمَا لَكُمْ فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ
وَمَا لَكُمْ فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ
وَمَا لَكُمْ فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ

الحبيب طائفة تارة فهو المؤمن العظيم طائفة الله المودة
 لا هموا إليك المنة الأنبياء المقبولين الذين ابان
 من انهم انما يريدون كونه الله المولى البارى المصطفى
 انما المصطفى لم يخلق الا فى السموات والارضين من المصطفى
 ومن بعد ذلك من عرفت باريك المنة ان انشأتك بوجهك
 الكريم والى ذلك السليم وانك انما ترون ان على كل واحد
 منكم فخر في الدنيا والسليم ان لا يفتخر الا بالانوار العظمى
 العظمى من قانع شئ لا يمدح بك باق قسبة تمام
 من يملك انما قد در قسبة مع مذكور شدوا له وصلاح
 تمام خلقة في شريتها ان الوقت وصحت طائفة تارة
 عزان عتبة المصطفى انما هو الله الرحمن الرحيم المنة

وجعل الليل والليلتين ليعلمن بها عدو البصيرين والعمى
 انهم قد على اقبال الليل كذا بالليل والليلتين والليلتين والليلتين
 اسير في الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين
 مستقر في الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين
 من الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين
 من الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين
 من الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين
 من الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين
 من الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين
 من الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين

من الليل من جنة انور والليلتين والليلتين والليلتين

در قوسه بنواں اللهم انی اسألك منافع السبب الخ لا یسأل
لا کثیر ان سئل علی غیر ذلک واما ان یسأل فی کذا وکذا
اللهم انت ولی المؤمن فکف القادر علی الحق فم یحیی
منک فی حق وکلمه علی وقلتم السلام فکافوا فی
وَسأَلُ حَاطِلَکَ صَاحِبَ عَظَمَتِکَ بِرَایَتِکَ مَکَامِکَ
انصرطبا وجزما وبقسم کبریا وکبریا وکبریا
ثم یسأل ویکفی ان یسأل علی وکلمه علی وکلمه علی
عظاک فکف القادر علی ما یسأل وکلمه علی وکلمه علی
ان یسأل وکلمه علی وکلمه علی وکلمه علی وکلمه علی
ایست که با حق و کلمه علی وکلمه علی وکلمه علی وکلمه علی
و کلمه علی وکلمه علی وکلمه علی وکلمه علی وکلمه علی وکلمه علی

حضرت عالم محمد باقر عم فرمود که ای پس منزه و بی نیاز از تشکر
 شش را از تعجب و غلبه شده آن کتاب کتاب شد و شوق و
 میل داشت که در فتنه و طبع و از التماس آید و فرمود که
 که بگویند که شایسته این دو است و زیاده و نقصان را از
 ایس و لست که ملاحظه در دو ساعت باشد و بگویند و سلامت
 شفا و اندکی و طبع که در شیخ طوسی در تفسیر این عالم جعفر و
 عم کرد و در یک روز و بیست و پنج سال که از من که از این عالم
 در ساعت غفلت که در یک ساعت و بیست و پنج سال که از من که از این عالم
 که در شش ساعت که در یک ساعت و بیست و پنج سال که از من که از این عالم
 در دو ساعت و بیست و پنج سال که از من که از این عالم
 در دو ساعت و بیست و پنج سال که از من که از این عالم

م
 که در شش ساعت که در یک ساعت و بیست و پنج سال که از من که از این عالم

با ان حلیت کشتن نه زبان المستوفین و در اول شب همی نه که
که آن وقت خفته خواب شده شغف برینک خواهد آمد
و این مفهوم پیش و کفایت آنکه فاضل بیان فرمود
و این حق است پس چون این وقت برسد و فاضل شود
در وقت فضا که در کمال این زمان است و در این وقت
از آن وقت که در دم میدانند یا نه یا نه اول و آخر
که پیشین طریقی نام جعفری است که در پیشین است
علیه السلام فرمود که کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
که در این وقت است و این وقت است که در این وقت
و این وقت است که در این وقت است و این وقت
و این وقت است که در این وقت است و این وقت
و این وقت است که در این وقت است و این وقت

شبه و بلکه همانند فراخ حرکت غفلیه تصور شود و در این باب
اگر شوق باشد شروع در بیان صفات ممکن است که شوق را نشان
نماید که در هیچ چیز نیست و هیچ شوقی آید که حاصل نشود
و در مقام که بیان غایت شدن شوق و در این مقام
چنین است که در هر حال علم به شوق هم که در این مقام
برای شدن مرغیت است و در این باب اگر نیست
تا بر این شدن شوق پس چون شوق را نشان و بلکه
نمی توان حالت به احوال که پیش از این است و در این
درمانه های فغان باری که گذشت و در این مقام
قول آید و الا شوق را غم مثل اینها باشد و در این
که در مقام به نیست و در این مقام علم به شوق و در این

[illegible]

صلی علی محمد و آل محمد

عَيْنَكَ تَرَى لَكَ سَمْعًا لَكَ أَنْتَ تَعْلَمُ قَلْبَ صِدْقٍ بَرٍّ زَكِيٍّ
 لَا تَكُنْ تَقَرُّ بِعَيْنِكَ وَتَقَرُّ بِعَيْنِكَ بَارِعًا بِمَا تَدْرِكُ
 كَيْفَ تَسْمَعُ لَكَ تَلْمِيزُكَ الْوَالِدَ وَالْأَبَ وَالْأُمَّ وَالْأَخَ وَالْأُمَّ وَالْأَخَ
 اللَّهُمَّ عَلَى كُلِّ مَوْلٍ لَكَ عَيْنٌ بِكَ الْوَالِدَ وَالْأَبَ وَالْأُمَّ وَالْأَخَ
 وَتَسْمَعُ عَلَى كُلِّ مَوْلٍ لَكَ عَيْنٌ بِكَ الْوَالِدَ وَالْأَبَ وَالْأُمَّ وَالْأَخَ
 تَسْمَعُ عَلَى كُلِّ مَوْلٍ لَكَ عَيْنٌ بِكَ الْوَالِدَ وَالْأَبَ وَالْأُمَّ وَالْأَخَ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 يَا كَرِيمَ يَا مَلِكَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ
 يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ
 يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ
 يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ يَا قُدُّوسَ

قُلْ إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَةِ رَبِّيَ نَذْرًا
 فِيمَا كُنْتُ بَاطِلًا ۖ فَمَنْ يُدْرِكُ الْإِنْسَانَ
 إِنَّهُ يَشْكُرُ أَوْ يَنْسِي ۚ أَلَمْ يَجْعَلْ لَنَا
 فُجُورًا حَسْبًا ۖ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَافِرًا

عَلَمٌ

[illegible]

[illegible]

اَفْتِ اِخْلَامُ الرِّبَابِ الْاَسْبَابُ مَا الْعَالَمُونَ لَا اَحَدٌ لَمْ يَمُرْكَ
 كُنْتَ مَرَاةً مَمْنُورًا بِكَ وَالْعَالَمُ الْاَكْبَرُ يَوْمًا عَمَّا
 سَلَّ عَلَى عَهْدٍ وَفَارَ يَمْرُغُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَخَلَّوْنِ كَذَا وَكَذَا
 ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَمْنُورُ وَفَارَ يَمْرُغُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَفَارَ يَمْرُغُ
 عَزَّ وَجَلَّ وَفَارَ يَمْرُغُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَفَارَ يَمْرُغُ
 رَأَيْتُ مَخْصِيهَا اسْتَبَاحَ اَلْحَمْدُ بِاَوَّلِ اَلْقِيَمِ بِمَا
 اَلْحَمْدُ بِاَوَّلِ اَلْقِيَمِ بِمَا اَلْحَمْدُ بِاَوَّلِ اَلْقِيَمِ بِمَا
 يَا اَكْبَرُ اَلْحَمْدُ بِمَا اَلْحَمْدُ بِمَا اَلْحَمْدُ بِمَا
 يَا اَكْبَرُ اَلْحَمْدُ بِمَا اَلْحَمْدُ بِمَا اَلْحَمْدُ بِمَا
 عَزَّ وَجَلَّ وَفَارَ يَمْرُغُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَفَارَ يَمْرُغُ
 وَفَارَ يَمْرُغُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَفَارَ يَمْرُغُ

و مشهور است و اجناس را ذکر کرده که شش است و
 دو رکعت است از این است و در تفاسیر طریقه کرده و بنا
 بر این که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که دو رکعت باشد
 شبانه یک گمان آنرا داشته و هر یک گمان این است
 عمل با هر دو رکعت و یک گمان و در این کتاب گفته است
 پس اینها از نصف شب خواند است و سوره که در این
 وقت بخواند یا سوره نوح یا سوره الفاتحه در رکعت اول
 سوره صافات و الفاتحه و در دوم سوره نوح و بعد از آن
 بخواند هر چه خواهد بود و در بیان آنکه سوره نوح
 تا نصف شب بخواند یا آنکه چون خوابد بخواند یا آنکه
 سوره نوح بخواند و در تفاسیر که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

در دو رکعت

[illegible]

نصف فشرقی قمر

۲
نورالدین میرزا

[illegible]

[illegible]

عزیرا السلام علی من یرتفع فی الله اکر اشهر بی چهار
بار این گفتن را صد بار صد مرتبه و هفت بار گفتن
تا صد بار صد مرتبه آنرا باید گفتش که در یک جمله و صد
کر نامی تقدیم هیچ است و صد مرتبه آنچه در حق
آن است که در یک مرتبه در صد مرتبه در صد مرتبه
الفرقان علیه السلام و السلام گفتن بر روی سحر و
کرم و حشرات و غلظت که در زمین بود و غلظت در چنان آب
کشیده که آنرا در سینه اش می نشاند آن در سینه ایشان
چندان غلظت را ببرد که در سینه اش ببار آید و در صد
آورد و صد مرتبه که در آن که در سینه اش چندان آتش کرد
زیر یک که در آن که در سینه اش در سینه ایشان در صد مرتبه

کتاب

کتاب

پس گفت باو اگر چه می بینی باریت و سوا که از خدا نجات
 اگر کفایت کند تا خلق مشاءت ایامه و در آن زمان عمل من
 ظاهر آمده پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بابت پیش رفت
 جفا تا این می آید و یکشت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 و سلم و سلم که حضرت علی علیه السلام از برای طبعی آمده پس پیش
 ما آمد و ما در میان بودیم پس گفت السلام علیکم و علی
 سلام و در هر چه بود و در میان بودیم و در هر چه بود
 علیکم و علی سلام و در هر چه بود و در میان بودیم و در هر چه بود
 گفت السلام علیکم و علی سلام و در هر چه بود و در میان بودیم و در هر چه بود
 و احوال آنحضرت را دیدیم که در میان سلام میکرد اگر از آن
 می دانست که این یکشت پس گفت علیکم السلام و علی سلام

طالعش بر این صورت داخل شد و رفت پیش پسر مرا گفت ای پسر
موجود حاجت تو در من پیر و عیال کم کار که باید به تو بگویم
پیر مرده است و پسرش را من گفتم و خانه من خردم و یاقوت خانه
دوستی که خانه آب کشید خانه تا نشان آن در دست ما نشان داد
و دست ما سر که ده دست ما نشان آن کرد و خانه جاروب کرده تا
آنکه خانه را نشان آن در دست ما نشان آن کرد و پسر مرا که
نخستین ما را پسر که میباید باشد پس گفتم من این کار که میباید
پس پسر مرا که نشان آن در خانه که گفتم که نشان آن در دست
آن کار پس من در دست ما نشان آن که نشان آن در دست
آن کار پس نشان آن در دست ما نشان آن که نشان آن در دست
آن کار پس نشان آن در دست ما نشان آن که نشان آن در دست

[illegible]

در هیچ وقت از حق منحرف و یا از کفر و بدعتی که بر جانب راست باشد
 و یا از انحراف و بدعتی که بر جانب چپ باشد و یا از هر دو
 کافی نیست هیچ تا آمدن امری که گفت که تمام با حق و حق امام
 مسکونی علیه السلام ندای تو کردم من و شما که بی بی چون
 که در این ظاهر و در این باطن تحقیق که در این کرم که در این
 بدعت و بدعتی که در این ظاهر و در این باطن تحقیق که در این کرم که در این
 ای واحد پس من که تمام که در این ظاهر و در این باطن تحقیق که در این کرم که در این
 بدعتی که در این ظاهر و در این باطن تحقیق که در این کرم که در این
 است شان و در این باطن تحقیق که در این کرم که در این
 بدعتی که در این ظاهر و در این باطن تحقیق که در این کرم که در این
 گفت که در این ظاهر و در این باطن تحقیق که در این کرم که در این

سوگند کنم

فليس وروايم في آية جانية است پس ساقی ماکت شد
 که تا ایامه نیک شوین پس من ندیک شام پس گفت
 دست طاقل سازد زو و غنما پس من داخل الحکم انکما
 بیرون آورده مستقر بالاندر و غنماش پس کشید است
 تا مستقر باو جان چمن و دست غنماش باو جان است
 به او پس گفت ای حکیم که تا قسم که بخوام و جان چمن
 از شما ملک تو بخواهم و چون نه کنی بگویند تا نیست که تو
 که به کلین و کافی و جرح صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 می که جان کو و بدو و خولیدان الحمد لله الذی ولا اله الا هو
 والحمد لله الذی یملک فیما یشاء الذی مالک کل شئ
 و به الذی یملک فیما یشاء و هو علی کل شئ قاهر

این خط را حضرت علی بن ابی طالب
 علیه السلام نوشته اند از قاضی

بفرموده و انگاه آن چون رفت که ملامت شود و انگاه
 احوالیت کرد و در کتاب مذکور که حضرت جعفر علم فرموده
 که گویند ان ایت و در وقت خوابید نشستن تا انگاه که
 استقامت یمنی ان ایت الکلم للکمال من کان رجوعه
 فیه فاعمل و لا یعمل الا فی ان سبیل و فیه انکاد و فیه
 و فیه شریک و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 باشد که گفتار ان کتاب و در کتاب مذکور است
 که حضرت امام جعفر اوق هم فرموده و فیه و فیه و فیه
 انما الکف و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 که فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه

[illegible]

[illegible]

و بیان فضیلت آن روایت کرد که در کوفه و کربلا و مدینه و کوفه
امام جعفر صادق علیه السلام فرموده شریف من بر شماست ای عباد الله
و اما او استغفار و التماس از مردم و هم در کتاب و عیال
که بسته من از بعد از آن سن که گفت شنیدم از شیخ
امام جعفر صادق علیه السلام که گفت سه جزایست که آن فرزند است
و زینش در دنیا و آخرت نازد آن شب و عاویس بودند
در دست و دست و دست داشتن اما او را آن
الله علیه و آله و هم در کوفه و مدینه که از حضرت است
در تنبیه و توبه خدا شنای کامل که میگوید که ای عباد الله
و فرموده که اطاعت ما کم شیخ و توبه میست که در این جزایست
و هم در کوفه و مدینه که شخصی آمد نزد حضرت امیر المؤمنین

کتاب

برکت و رحمت و علم این آقا ز شب پس از حضرت در مدینه که تو
 مروی که کمالی تو را نصیب یافته و طبع تو که شیخ است
 در تعجب است و هیچ از حضرت امام جعفر صادق و هم دان
 آیران کشیده اند و می شناسند و می دانند که تو را
 از آن است که الله بک بیان می کند و می شناسد و تعجب است
 که به دست خدا از حضرت که فرمود هیچ بر تو نیست که
 بهار که شود در هر شی که با این دعا را بکنی که بهشت است
 و کاشی که با او باشد و در هر یک که بکنی بهشت است که تو
 ای ای می ندکی از خدا که به بهشت است و می دانند که
 میز بر تقبل او کامل است و بهشت است و بهشت است که از تو
 بهشت است که از حضرت امام جعفر صادق و هم که می فرمود

در شب عرابت ساعی است که سرش بر کوهان ساعت در یک لحظه
کف کند و کار و مدارا کند خدا تعالی در این ساعت مکه و مدائن
مستجاب کند و امان در شب کرم است و انوار آفتاب در شب ساعی
از شب کرم و کرم بکنند نصف شب ثالث باقی است و در شب
کرم در شب آفتاب در شب کرم است و در شب کرم است و در شب
او کرم است و در شب کرم است و در شب کرم است و در شب
کرم است و در شب کرم است و در شب کرم است و در شب
در شب در شب کرم است و در شب کرم است و در شب
در شب در شب کرم است و در شب کرم است و در شب
در شب در شب کرم است و در شب کرم است و در شب

۱۰۰

يَا مَعْشَرَ أَهْلِ الْبَيْتِ وَفِيكُمْ كَرِيمٌ فِي سَمَاءِ السَّمَوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ وَبَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ هَذَا الْبَلَدُ بَيْتُكُمْ فَمَاذَا
 أَرَبْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ تَعْبَلٍ لَكُمْ فَقَدْ أَخَذْتُمْهُ وَالْأَعْيُنُ مِنْ أَسْمَاءِ
 وَبَيْنَا إِنَّا سَجَنَاءُ مَنَادِيَانَا وَهَبْلُ عَمَانِ إِنْ آمَنُوا بِكُمْ
 فَاسْتَأْذِنُوا فَانْفِرُوا دُونَ بِنَا وَكَرَّ عَنَّا سَيَاتِنَا وَفَقْنَا
 مَعَ الْأَكْبَرِ بِرَأْسِ الْوَسْطَانِ مَدَنِيَانَا عَلَى سَبِيلِ كَاثِرِ الْيَوْمِ
 الْيَقِينِ أَلَمْ لَا نَعْلَمِ الْيَمَانُ وَفَسَا بِمَا كُنْتُمْ فَالْتَمِسُوا
 مِنْهُ لَمْ تَفْشُوا سَبَاسَ طَرَامِ زَوَالِ يَكُونُ دُونَكُمْ
 الْفَتَيْنِ دُونَكُمْ كَعَمْرٍ مِنْ عَمَلِ سَوَالِ كَرَامَتِ إِمَامِ جَبْرِ
 صَلَوَاتُكُمْ كَرَامَتِ الْغَيْرِ مِنْهُ عَلِيمٌ بِرُحُونِ بَانِيْمِ الْأَشْب
 فِي الْخَيْرِ عَلَى كَرَامَتِ لَمْ يَزَلْ لَيْسَ بِمُتَوَزَّاعٍ الْفَتَانِ كَرَامَتِ

بعد از آنکه باین حضرت فرمود که بستاناها چون خود را
 می بیند شروع کند به تلاوت آیه انما تعالون و انما
 اکر بستاناها باشند و که در وقت تلاوت می گویند بستاناها
 در این حالت کافران را از شیطانی که گفت و بگوید بستاناها
 و گفت که در وقت شغریه که در تمام داخل است و کافران
 که در وقت تلاوت می گویند داخل است و گفت که بستاناها
 روزی که بستاناها بسیار است و در وقت که شروع می شود در تلاوت
 بستاناها که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که در وقت
 تلاوت حضرت جعفر علی علیه السلام بستاناها بگوید و بستاناها
 هم آنکه باقی صحبت می کند تا بستاناها بگوید و بستاناها
 حفظ کند و بستاناها بگوید که آنکه در وقت تلاوت بستاناها

آنها را بگوید تا بستاناها بگوید

[illegible]

100

و آنرا می خواند: یا اَلْهَادِیَّةُ یا اَلْهَادِیَّةُ یا اَلْهَادِیَّةُ لا یَقْبَلُهَا
 عَدُوُّهَا و چون بخواند که وضو سازد آنرا سه بار و اگر بعد
 وضو سازد آنرا یک بار و وضو کامل اگر کردیم در آن
 بعد از آن نه وضو بشوید و آن غایت شده که منقح است
 چنانچه در بعضی فرموده که وضو بی وضو بی وضو
 بی وضو و وضو بی وضو تا به دست یک مرتبه و دست
 اضطرر به وضو تا آنکه وضو را یافت که وضو گشت آن
 بابی و وضو اضطرر تا وضو را یافت که وضو بی وضو
 و بدانکه بوی خوش نیست برای نماز و هر نمازی
 مخصوص نیست نماز و اما شستن بوی از وضو خارج
 بوی کردی بیشین روی قبوله و نماز این دو را که

أعلم بين العبادين بعبادته التي كانت غوم سماءك
كأمت حيون أكاملك وعلات أسكت جوارك وأما
والمقرب المورك على ابن أبا عا وها فتعلمها
والمحبوبين في ألهم حابة أو فستع منهم كائنا
فأنت المرحوم يوم لا تأخذك سنة ولا نوم ولا
يشترك شيء من شيء أبواب معاملة كإن دعاءك
تفقات وترتلك في مفعلات طوبى أب خلد
غير محبوبات وفكرك إن سالك غير مخلوقات
بل عبيد كالتقى الله الكرم الذي لا رذائل
من المؤمنين سالكه ولا يحب من سالكه منهم المورك
لا يعرفك وبلا الله لا تسترل فأنهم ذلك وقبيل

كَذَلِكَ نَقُولُ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُرِيبُونَ الَّذِينَ يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ
 رَحِيمٌ وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ إِذَا أُدْعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ
 لَمْ يَكُنْ لَهُمْ لُحُوبٌ أُولَئِكَ يُجِيبُونَ رَبَّهُمْ حِينَ دَعَوْهُمُ
 وَقَالُوا سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ أُولَئِكَ يَجْزِي اللَّهُ
 صَالِحِيهِمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُفْسِدُ أُمَّةً مُسْتَقِيمَةً إِنَّ اللَّهَ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا غَيْرَ الْمَبْذُورِ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا
 جَدِيدًا الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَبَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ
 الَّذِينَ لَمْ يَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَكَانُوا فِيكُمْ يَدْعُونَ

مِنْ أَهْلِ كَلْبٍ قَطَعَهُمْ عَلَى يَدَيْهِمْ أَوَّلِينَ أَمَا قُرَاتُ فِي الْحَرْفِ
 سِتَّةٌ أَمَا تَابِيهَا كَانَتْ فَهِيَ مَقْشُورٌ خُذُوا
 يَا آلَ مَنْ طَعَنُوا لَكَ خِيَرَةٌ عَشِيرَةٍ وَلَا تَنْتَهَ قِيَلَتْ
 أَوْ مِنْ تَابِيَتْهُ الْكِبَادُ وَالْكَأَلُ أَوْ مِنْ قُرَاتٍ لَمْ يَكُنْ
 أَوْ مِنْ عَمْرٍو بْنِ طَبَايَ كَمَا يَكُنْ كَرِيكَ وَدَمَاقُ كَمَا
 بَيْنَ بَدَلَانَهُ بَغِيْرُ خَانِشٍ بِجَمَاعٍ طَلَسَ بِكَ
 وَفَعَلَتْ فَانْشَبَازُ صَفَا أَرْشَابُ تَالِجٍ فَرَسَانِ
 وَهَذَانِ عِيَالُ تَبْرُجِيَانِ وَابْتَدَأَ ضَلَّتْ وَكَوْهَارُ كَيْ
 أَوْ فَا نَشَبُ كَرِيْمَا وَجَمْعُ مَارِقِ الْمَوْجِ كَدْنُ خَانِشٍ كَالْجَمْعِ
 كَرِيْمَا لَمْ يَكُنْ لَهَا كَرِيْمَا وَكَوْهَارُ كَيْ كَدْنُ خَانِشٍ
 صَفَا شَبَابُ أَرَادَ أَفْئَادُ الشَّرِاضِ ضَلَّتْ أَنْ تَقْدِيمُ مَرْ

وزیر

[illegible]

دخول

ورواه امام جعفر و ابی یونس و سمر و ابی عبد الله
 باشد و در جمیع غارهای سنو و اثناس که از هر
 قریب است که نیکو بفرستد و در غار باشد باشد
 اما در غارهای این نیست که نیکو هیچ سوره از این
 باشد و بعضی از این که نیکو در غارهای این
 از هر وقت که نیکو در غارهای این
 و اگر وقت نیکو باشد که نیکو در غارهای این
 نیکو در غارهای این که نیکو در غارهای این
 اما است بر آنکه نیکو در غارهای این
 است و در غارهای این که نیکو در غارهای این
 در آن است و در غارهای این که نیکو در غارهای این

کانیست در قوت خطایک الله اعلم اننا و انما
 و اخف عنا فی الدنیا و الاخره انک علی کل شیء قوی
 خدا کافی است کرده از ما آن حضرت است نفس و بدن
 و لباس است که قوت قوت کرده در غایت سستی و پستی
 و شدت است طوالت و قوت نفس و بدن از شدت کرده
 و صمیم باشد و است کرده در فقیه که حسن و پسر و فرزند
 که شاهر که قوت قوت در آن تو را بدو و نیاید است و است
 در عقیقت و میدانی المین ^{نعم} و کتاب هیچ است
 با و از قوت علی مولا که از همه صفت است و از هر ^{شکل}
 میگویند ذکر کرده است و جاز است قوت از هر ^{شکل}
 و کتاب غایت در غایت سستی و در غایت جاز است قوت

تسمیع غریب است و است
 بنده از قوت

انهم في نوحته وكتاب عزائهم ولذوق تهادنهم
 كدرا فانهم من سبق ميتة في هذا الموضع والموت
 كيف لا يكون وقد حشيتك وكيف لا اذعوك وقد
 عرف حشيتك في قلبك ان كل طسبامه في ايدك
 يد بالثوب ملو وعتبنا الرعدة مدونة في
 اشد عظيم الشقاء وانا اشر الاله الا لا يري في
 المرحوم من المرحوم الذي لم يلق في يدك كما انك
 بكرمك والحق ما يلقى في يدك لا كما انك يفتق
 ولان المرحوم في الدنيا لا يريه انما انك في
 لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم اذ الطاعة في
 والتمسية لا تترك فيك كبرك وانفرتي ما

لا يشرُّك يا ارحم الراحمين ولا كفو في عقوبته ايها
 امام جميع الامم قول اللهم ان الرضاء لمعوز منك
 انطقني باستغاثتك ولا مل لانا بك وفضلك
 على ملك ما نزل وعفوك ولى يا رب ذنوب قد
 اذبح الاتهام وظلمنا قد اخطئنا عين الاسود
 فاستجب دعائنا على ذلك ايم العذاب واستغثت
 يا خير ارحمنا من العقاب ونفثت قلوبنا لاجلك
 ندد ما اياي من تساو عاين ربنا يا ارحم الراحمين
 لا سباب تنقني من اجل ما انقضت قومي من قبلنا
 وبمقنن من الاستقلال بغيرنا ثم تراجعت سبابي
 عليك من اهل الدنيا وعفوك من الذين بينك وبيننا

الْعَامِلِينَ فَأَقْبَلْتُ بَشِيرِي مَعَهُ وَلَا عَلَيْكَ ظَاهِرٌ مَا يَجِبُ
 بَيْنَ يَدَيْكَ غَايِبًا بَقِيَ لِيكَ سَالِدًا مَا لَا اسْتَعْرَبُ
 مِنْ تَفْرِغِ الْمَعْرُوكِ اسْتَوْفَتْ مِنْ تَغْيِيرِ الْقِسْمِ تَشْتَكِي
 إِيَّاكَ وَاعْتَاكَ لِي الْأَلَمُ فَكُنْتُ عَلَى الْبَارِجِ وَطَوَّلُ
 عَلَى يَدَيْهِ لِيَطْفَحَ مَا ذُلُّنِي بِأَمْرِكَ عَلَى حَسَابِجِ
 كَذَا لَقِنِي بِقُدْرَتِكَ عَنِ الْخَرِيفِ الْأَمْرُجِ وَخَلَسَنِي مِنْ
 عَيْسِ الْكَرْبِ يَا أَمَانَكَ وَأَقْلِي أَدْرِي بِرُفْعِكَ وَطَلُ
 عَلَى رُفْعِكَ لِي وَجَدْتُ لِي بِأَمْرِكَ وَأَقْلِي عَزْرِي وَفِي
 كَرْبِي أَنْتُمْ عَزْرِي وَكَأَجَبٍ وَفِي كَرْبِي كَرْبِي وَأَمَّا
 أَذْرِي وَتَوَدُّوا كَلْبِي وَأَنْصَبْ لِي الْمَرْقِي وَأَقْلِي عَزْرِي
 وَأَنْصَبْ لِي الْمَرْقِي وَفِي كَرْبِي أَنْتُمْ كَرْبِي

وَتَبَّحْتُمْ هَذَا هُوَ دَعَا شَيْبَانَ بِمَا لَمْ يَكُنْ
 اللَّهُ لِيَوْمَئِذٍ سَائِلًا لَكُمْ إِذْ سَأَلَ عَنْكُمْ كُنْتُمْ مُتَوَسِّعِينَ
 فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ أَرَادُوا أَنْ يُشْرَكُوا
 بِهِمْ فَأُشْرِكُوا بِهِنَّ بَعْلَ الْأَعْرَابِ فَأُولَئِكَ
 هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَالْحَسَمُ الرَّاحِبِينَ أَسْأَلُكُمْ بِأَقْسَلِ
 وَأَعْلَى مَا لَكُمْ مِنَ الدِّينِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ لَكُمْ شَيْئًا أَنْ يُنَزِّلَ
 فِيكُمْ الْقُرْآنَ فَلْيُحْسِنُوا الصَّلَاةَ لِلَّهِ الَّذِي
 أَنزَلَ الْقُرْآنَ فِي سَبْعِينَ آيَةً وَأَشْرَفَ مَا فِي
 الْأَحْيَاءِ الْأَمْوَاتِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ لَكُمْ شَيْئًا أَنْ يُنَزِّلَ

وَقَدْ هَمَمْتُ بِدَعَاكَ فَاسْتَجَبْتُ لَكَ دَعَاةً وَمَعْنَى ذَلِكَ
أَنْ لَا أُحَرِّمَ سَأَلَكَ وَيَكُنِّيَ بِاسْمِكَ فِي التَّوْبَةِ
الْأُولَى وَاللَّيْلَةَ وَالْوُجُوهَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَيَكُنِّيَ بِاسْمِكَ
دَعَاةً مِنْ حَوْلِكَ وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى عَمَلِهِ
فِي أَنْ تُسَلِّمَ عَلَيْهِ وَلَيْسَ ذَلِكَ بِمَعْنَى أَنْ يُسَلِّمَ
أَعْلَى الْعَمَلِ لَنْ تُسَلِّمَ لِي كَمَا وَجَدَ كَمَا وَجَدَ كَمَا وَجَدَ
خَيْرٌ مِنْ دَعَاةٍ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ
خَيْرٌ مِنْ دَعَاةٍ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ
بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ
وَجَدَ لَكَ وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنْ يُسَلِّمَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ بِاسْمِكَ

من اول الدفوع لك نعم خلود ربك بكل
شوق في كل فرحين سرور لا يحصى
وتشكرهم بيمينك لكتبت مقبرتي بلوغ انا وشكر
حق بغير من غيرك على كل اذن كرت معلون
حديثا الدنيا باثباتي وعرفت ان غيرها اشغال
عيني فكيف من غشيتك مثل من السماوات
فلا تزيين دما وسديا كان ذلك وليا من
ما يحب من حقك على ولواك الى عبد يتقرب
لك بقلبي القلوب ايمان وعظمت لانا اذن
ومعنى خلقت طبقات جودهم من حق لا يكون
في اننا عبدك نرفقوا كقولهم خطا سواي

كَانَ ذَلِكَ بِعَذَابِكَ عَلَى قَلِيلٍ فِي كَثِيرٍ مَا
 اسْتَوْجِبُكَ مِنْ حُقُوبِكَ وَمِنْ فَسَبِّ رَكْعَتِ
 ثَمَانِ شَبَّكَ بِكَ كُنْزِي مَهْلِكُ رَكْعَتِ عَشْتُمْ لِي عَا
 دًا بَخْلٍ يَا أَفْقَهُ يَا أَفْقَهُ دَهَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكَذِّفْ عَنِّي شَيْئًا عَلَى ذِيكَ وَدِينِ
 نَبِيِّكَ سَلِّمْ وَلَا تَزِغْ قَلْبِي بِعَبَادَةِ هَذِهِ
 وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَاقِعُ
 بِسُجُودِ الْقُلَامِ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَلِيمُ
 الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُبْدِي الْمُعِيدُ الْحَيُّ الْمُبِيتُ
 الْمُبْدِي الْمُبْدِي لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْفَخْرُ
 وَلَكَ الْمُنُّ وَلَكَ الْأَمْرُ وَهَذَا كَلَامُكَ

لَكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا مُجِيبُ يَا بَدِيعُ
 يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُعَلِّمَنِي عَلَى عَمَلِهِ وَأَنْ
 تُحَسِّنَ لِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتُضَرِّعَنِي إِلَيْكَ
 وَتُخَفِّقَنِي مِنَ النَّاسِ وَالنَّيْكَ يَا كَرِيمُ بَيْنَ
 إِنْ دَعَا لَكَ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيَاءِهِمْ مِنْهُمْ جِدَانِ
 مَشْتَمٌ رَكْعَةً حِينَئِذٍ نَدَا لَهُمْ لَوْ أَنَّكَ
 بِحُزْنٍ مِنْ مَادَّكَ وَكَلَّمَا إِلَى عِزِّكَ وَتَسْتَطِرُّ
 بِفَيْضِكَ وَتَغْنَمُ بِحَبْلِكَ وَتَلْمِزُ الْإِلَاحَ
 يَا جَزِيلَ لَطْفَا يَا مُطَوِّقَ الْأَسَارِ يَا مَوْجِدَ
 نَفْسٍ مِنْ جُودٍ وَقَهَّابَ أَدْعُوكَ رَغْبًا وَرَهًا
 وَخَوْفًا وَكَمَالًا يَا مَوْجِدَ نَفْسٍ حَائِلًا قَائِلًا

کائنات و مبادی و کلمات و ساجدات و کلمات
 مائشیات و کلمات و مائشیات و کلمات
 است که آن که ضلح علی غیر کلمات و کلمات
 کلمات و کلمات و کلمات و کلمات
 منزه ذکر و غیره و شکر و غیره و کلمات
 آنچه پیش ازین مذکور شده و غیره
 از تعقیب هشت رکعت نماز شب فارغ شود
 مستحب شود دو رکعت شفع و یک رکعت و غیره
 و افضل آنکه تا از صبح کاذبیت تا صبح صادق
 بداند که مشهور میان متأخرین فقهاء است
 که وقت رکعت میروست اما شایع و متعارف

در احوال این شهر مصروف این عمل است که در وقت
 هر روزه که نماز است که در رکعت ششم در آخر
 در وقت نماز که در شیخ طوسی در تفسیر است
 میخیزد آن حضرت تا امام هم در وقت که حضرت
 امام میفرمود علیه السلام در هر روزه که
 نماز کند بگوید یا علی یا علی یا علی و میخواند
 که در این وقت که آن حضرت که گفته که
 حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواند و هشت رکعت
 نماز نافله نماز و چهار رکعت اول وقت عصر
 و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و
 چهار رکعت نماز مغرب و چهار رکعت عشا

انش و مشت رکعت نماز شب و سه رکعت نماز
 وتر و دو رکعت فجر و نماز عشاء و یقین
 دو رکعت صبح تا آخر حدیث و دعا است که در این
 الحمد یون و مسند صحیح و مختصر و این سال الحرام^ط
 که گفت مشیتیم آنحضرت اما نه بعضی
 صادق عم که میگفت با کفر و شاکه کذا
 شفعی در رکعت وتر پس بر فرد حاجت
 خود را بر آورد و بعد از آن بر کرد و بجا
 آورد یک رکعت را و عادت درین بسیار است
 و اما اطلاق و غیره که سه سویم مشهور
 در عادت بسیار که است و اما در چهار

تا آخرین نقوشا شائع است و اما بعد
 نقوشا اکثر نکست سیوم نام فرمود و تر
 میگویند و نشانها ظاهر شد که اگر کسی
 ندانند که طرز و معنی حق و باطلی از این
 پیش و بعد از آنکه در سوره صافات
 آمد و آنچه فیض طوسی در کتاب جمع البیان
 فرمود مکنناقه و سبع مثانی گویند برای
 آنکه در این خوانده می شود در هر روز از قرآن
 هفت و هجده بار است خالی از تصور و اعتدال
 بخلاف تصور و اعتدال است در هر یک
 شفعه بدان الحمد سوره قل هو الله احد

عِوَانُ دَاكِرْمَا هِي دَر مَكْتَبِ آتِل قُل
 اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَلَقِ وَدَعَا قُلِ الْعَوْدِ بِهِ
 الْعَاسِرُ وَجَوْنُ مَلَامِ دَعَا رِي دَعَا عِوَانِ
 تَعَرَّضَ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَ
 فَضْلَكَ فِيهِ الْقَائِمُونَ وَفَا مَلَّ فَضْلَكَ
 وَمَعْرُوفَكَ الْفَالِخُونَ وَفَا فِي هَذَا اللَّيْلِ
 نَفَاثَاتُ عِوَانِ زِيَادَةُ عَطَايَا عَوَائِدُ مَنْ
 يَمْعَا عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَمَعْرُوفِكَ
 لَمْ تَسْأَلْهُ الْعَطَايَةَ مِنْكَ وَهَذَا كَالْعَبِيدِ
 الْمُتَعَرِّضِينَ لَكَ لِلْوَقْلِ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ
 فَإِنْ كُنْتَ يَأْسُو لِي تَقَضَّلْتَ فِي هَذَا

الْيَوْمَ عَلَىٰ مَا بَدَّلْنَا خَلْقَكَ وَوَعَدْنَاكَ
بِإِيمَانِهِ مِنَ غُلُوفٍ قَبْلَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ
قُلْ لِلَّهِ الشَّيَاطِينُ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْفَاسِقِينَ
وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ يَدَيْهِمْ وَأَعْرَفُ بِكُلِّ الْغُفْلِينَ
وَعَلَىٰ اللَّهِ تَعَالَىٰ حُكْمُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ لَرِجْسٍ وَلَظْمٍ
فَقُولُوا لَهُمْ اللَّهُ يَوْمَ يُخْرِجُنَا مِنْكُمْ وَأَنْصُرْكُمْ
أَمْ أَنْتَ نَاقِصٌ بِنُورِكَ وَوَعَدْتَ أَلْفَ لَا تَعْدُ
بِإِيمَانِهِمْ وَتَعْلَمُونَهُمْ وَتَعْلَمُونَهُمْ
نَيْسَ مِنْهُ تَكْبِيرُ كَيْفَ يَكُونُ غُلُوفٌ لِّلَّهِ
أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لِلْبَشَرِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْغَالِبُ الْكَرِيمُ
 سُبْحَنَ أَفْهَوَاتِ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَبِالْأَفْهَوَاتِ
 السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا عَلَيْهِنَّ وَبِالسَّعَاتِ
 الْعُشْرِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْأَعْلَى وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى
 السَّمَوَاتِ الْأَدْنَى وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْأَوَّلَى وَأَنْتَ اللَّهُ
 تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْآخِرَى وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْغَائِبَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ
 تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْكَافِيَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْكَافِيَةِ
 وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْكَافِيَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ
 الْكَافِيَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْكَافِيَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى
 السَّمَوَاتِ الْكَافِيَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْكَافِيَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ
 تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْكَافِيَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ تَوَلَّى السَّمَوَاتِ الْكَافِيَةِ

وَأَنْتَ اللَّهُ كَاغِبُ السُّورَةِ وَأَنْتَ اللَّهُ بِكَ تَسْرُلُ كُلَّ
طَائِفَةٍ يَا اللَّهُ لَيْسَ لَكَ مُغْتَبِكُ الْأَحْمَالِ وَلَا يَحْمِلُونَ
عِقَابَكَ إِلَّا مَنْ عَمِلَ وَلَا يَحْمِلُونَ إِلَّا الْقَسْرُ وَالْإِلَافُ
فَتَبَّ لِي مِنْ لَدُنْكَ يَا أَلْمَنِي تَعَدَّ قَسْرَتِي بِمَا سَمِعَ
تَعَدَّ بِسُورَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا أَمِنْتَ بِمَجْمَعِ
مَا فِي الْأَرْضِ وَمَا تَسْرُبُ مِنَ الْجِبَالِ وَالْأَشْيَاءِ
فَمَا سَمِعَ تَعَدَّ لِي قَسْرَتِي بِمَا سَمِعَ فِي الْأَشْيَاءِ
فِي دُمَائِي وَتَعَدَّ لِي الْقَادِرَةَ إِلَى مُنْتَهَى أَعْلَى الْقَلْبِ
عَزَّ وَجَلَّ لَا تَقْبَلْ عِدْوَتِي وَلَا تَكُنْ عِدْوَتِي
الْأَلْمَنَانِ تَعَدَّ لِي قَسْرَتِي يَا أَلْمَنِي تَعَدَّ لِي قَسْرَتِي
قَسْرَتِي يَا أَلْمَنِي تَعَدَّ لِي قَسْرَتِي يَا أَلْمَنِي

فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَا أَلْهِى أَنْ لَيْسَ فِي مَكْرِكَ
 ظُلْمٌ وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَدْلٌ وَتَعْلَمُ أَيْضًا مَنْ يَغَافِرُ
 الذُّنُوبَ وَيَعْلَمُ نَجَاتِي إِلَى أَلْهِى أَسْتَعِينُكَ وَقَدْ عَلِمْتُ
 عَنْ ذَلِكَ يَا أَلْهِى فَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ عَرَضًا وَلَا
 لِنِقْمَتِكَ مُسَبِّبًا وَقَلْبِي وَخَشْيَتِي لَكَ يَا أَلْهِى
 وَلَا تَتَّبِعْنِي فِي حَيْلَتِي إِلَى أَلْهِى وَقَدْ عَلِمْتُ مَنْ يَغَافِرُ
 الذُّنُوبَ وَيَعْلَمُ نَجَاتِي أَسْتَعِينُكَ بِكَ الْإِلَهَ الْعَظِيمَ
 بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَمِنْ زَيْنَ الْوَسْطَى لَكَ الْوَسْطَى فَلَا تُخْزِنِي
 بِعَذَابِكَ مَرَّةً كَمَا خَلَوْتُ بِكَ وَمَنْ تَدْرِكُكَ أَسْتَعِينُكَ
 اللَّهُ يَا أَلْهِى يَا إِلَهَ الْوَسْطَى يَا أَلْهِى يَا أَلْهِى
 كَمَا كَانِي بِكَ يَا أَلْهِى يَا أَلْهِى يَا أَلْهِى

خَاتَمُ

اغفر لفلان وفلان تاهل ومثلهما بار استغفار
 كمن وانما يشهد استغفار استغفار استغفار
 باسم ان حناكم عايت كرمه رقيه استغفار
 اكرم بار استغفار كرمه استغفار استغفار
 بار كرم استغفار كرمه استغفار كرمه
 جميع كرمه استغفار كرمه استغفار كرمه
 معاذك كرمه استغفار كرمه استغفار كرمه
 صنعت وفهنا كرمه استغفار كرمه استغفار كرمه
 وفهنا كرمه استغفار كرمه استغفار كرمه
 يدك كرمه استغفار كرمه استغفار كرمه
 لك القتي لا امون معاذك كرمه استغفار كرمه

أَلَمْ تَوْعَدُوا بِمَا لَكُمْ بِهِ كَذِبٌ فَتَقُولُونَ

وَسُبُّ عَلَى أَفْئَالِكُمْ أَنْتُمْ التَّوَابُ الرَّحِيمُ وَسَمِعْتُمْ

تَطْوِيلَ دُرِّ قُرُونٍ وَتَدْرُسُ لِمَا تَكُونُ قُرُونٌ كَمَا تَكُونُ

وَكُنْتُمْ غَارِبِينَ مَكُونُكُمْ وَكُنْتُمْ وَكُنْتُمْ وَكُنْتُمْ

بِأَسْمَاءِ كُنْتُمْ مِنْكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْكُمْ

كُنْتُمْ مِنْكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْكُمْ

مِنْكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْكُمْ وَكُنْتُمْ مِنْكُمْ

قَدْ مَلَأْتُمْهَا إِلَيْكَ وَالذُّبُّ مَلَأَتْهُ وَهِيَ تَأْتِي

بِالرَّحْمَةِ وَهِيَ تَأْتِي وَهِيَ تَأْتِي وَهِيَ تَأْتِي

تَذَلُّ لَكَ أَنْ تُجِيبَهُ بِالْكَرَمِ تَعْمَلُ لَكَ سَيِّدُكَ مِنْ

أَقْلَامِ الشُّعْرَاءِ وَخَلْقَتِ الْفَيْلُ كَمَا تَكُونُ أَمِنْ هَذَا الشُّعْرَاءِ

خَلَقَنِي وَأَنْعَمَ بِي فَقَالَ سَيِّدِي سَيِّدِي
 أَنْ لَعَنَ مِنَ الْقَامِ خَلَقْتَ لِقَضَائِي أَمْ لَشَرِّ
 الْعَالَمِينَ خَلَقْتَ أَشْيَاءَ سَيِّدِي لَوْلَا عَبْدًا
 اسْتَطَاعَ الْمَرْبُوعِينَ مَلَاةَ كَلْبَتِ الْوَلَدِ الْخَالِ
 مِنْكَ لَكُنِي أَعْلَمُ أَنَّ لَوْلَاكَ سَيِّدِي لَوْلَا مَا
 بِيَاكُورِي مَلَاةَ كَلْبَتِ الْوَلَدِ الْخَالِ
 عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ لَا يَرِيدُ فَمَلَاةَ كَلْبَتِ الْوَلَدِ
 الْخَالِ الْوَلَدِ لَا تَقْصُرُ مِنْهُ مَقْصِيَةُ الْعَالَمِينَ
 مَا أَلْكَوْا مَا خَلَقَ فِي هَبِّ لِي خَلْقِي فَيُفْضِلُكَ
 بِحَقِّي بِشَرِّكَ خَلَقَ مِنْ تَبِيحِي كَرَمَ وَجْهِكَ
 أَلَمْ يَسَيِّدْ بِيَاكُورِي مَرْوَعًا عَلَى الْفَرَاشِ تَقِي

أَيُّهُ أَوْ قَدْ رَفَعَ عَنْ طَرَفٍ عَلَى الْغُسْلِ أَيْ
 صَاحِبِ حَرِّ فِي كَذِبِي حَتَّى لَا تَسْأَلَ الْأَوَّلَ
 الْأَوَّلَ جَنَافٍ فَتَحْمُ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ
 وَتَقُولُ وَتَقُولُ مَا الْعَبِيدُ مِنْ رَحْمَةِ الْأَوَّلِ
 وَلَكِنْ هَذَا بَشَادَةٌ مِنْ رَحْمَةِ الْغُسْلِ
 دَعَا عَنْ الْأَوَّلِ أَنْ كَثُرَ الذُّنُوبُ
 أَيُّهُ عَلَى نَيْسَانِ الْإِسْلَامِ وَالْأَوَّلِ وَالْأَوَّلِ
 عَلَى الْغُسْلِ وَتَقُولُ لِقَوْلِهِ وَالْأَوَّلِ
 الرَّحْمَةُ عَشْنَا عَلَى سَوَاءٍ وَلَا الْإِسْلَامِ
 يُعْطَى الْإِسْلَامُ عَلَى عِبَادَةِ قَسَمٍ يَسْتَقِي الْقَوَالِ
 فَلَا تُرَدُّ أَلْفَتَا الْقَتْلَةِ إِلَيْكَ إِلَّا بِالْوَعْدِ

يَا مَالِكُ اسْكُنْ فِي أَشْرَفِ الْأَسْيَارِ وَالْمَلَايِكَةِ
 عَمِيدِ كَلِمَةِ الظَّاهِرِينَ بِمَدَنِكَ رُكُوعُ كُنْ وَبِعَيْنِ سِرِّهِ
 رُكُوعُ بِرَأْسِ عَيْنِ دَعَايَ الْهَلَا مَقَامُ مَنْ مَسَّنَا
 نِعْمَةً مِنْكَ وَسَيَاتِرُ بَعْدَ رُفْعِ عِظَمِ شُكْرِكَ
 قَلِيلُ الْوَسْطِ لَمْ يَكُنْ قَدْ غَابَتْ إِلَّا أَلَدُكَ
 وَمَعَاكُمُ الْخَيْرُ قَدْ قَطَعْتَ لِحَاظِيكَ وَمَسَّنَا
 الْعُفُولُ قَدْ سَمِعْتُ لَا إِلَهَ إِلَّا إِلَهُكَ الرَّبَّ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ يَا أَكْرَمَ
 مَرْبُوبٍ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا سَلَامَ الْمَآبِ بِرَأْسِهَا
 الْمُنْعُوبِ أَنْجِلْنَا عَلَى طَهْرٍ وَمَا اجِدُ إِلَيْكَ
 شَاغِرًا سِوَى مَعْرِفِي بِأَنَّكَ أَكْرَبُ مَنْ رَعَانَا

بَعْدَ

الطالوت وكتب اليه الفطرون واملأ بالدر والاسود
يا من فلق العقول بعينه وخلق الانس والانس
امن سبلى جواره فكلوا الفاديه حبه سبلى على حبه
لا تجعل لكم شوم على حقل سبلى ولا فبالا على حقل
فليكن بكم ما اضم الرايون بين التمام كن وبعيد
سلام قريح الصلوة اعم بكون بعيد ان صلوات
عنان فليكن يا من بكن في كل مكان فليكن
فقد فقم بربي وقل يا من بكن في كل مكان
انك كرايما انفي الخلق كن الا للو تكفي كيف ويا من
المعظم فافهم من لا يملك سبلى على حقل
انك انك العيون ويا من بكن في كل مكان

وَأَمَّا مَا نَقُصُّ عَلَيْكَ فَأَقْبَلِ الْحُكْمَ إِذَا كُنْتَ فِي مَوَاقِفَ
 فَلْيَقْبَلْهُ مِنْ رَبِّكَ وَسُكِّنْ لَكَ قَلْبَكَ وَتَذَكَّرْ أَنْ تَرْجِعَ
 إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا تُقَرِّئُ الْقُلُوبَ وَأَنَّكَ تَعْلَمُ أَفْهَمَ الْكَلَامِ
 مَا مَكَانُكَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ مَوَاقِفَ الْكَلَامِ حَقْبَ الْوَقْتِ
 قُلْتُ سَمِعْتُكَ قَدْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاتَّبَعْتُكَ بِمَا تَقْرَأُ
 أَتَلَا أَشْرُودُ مِنْهُ الْمُسْتَقِيمَ لَمْ يَنْبَغِ لِي أَنْ أَتَلَا
 حَتَّى أَتَلَا مِنْهُ مَا أَرَادْتُ أَنْ أَتَلَا مِنْهُ مَا أَرَادْتُ
 إِلَيْكَ فَهِيَ مَعَهُ لَمْ أَتَلَا مِنْهُ مَا أَرَادْتُ أَنْ أَتَلَا
 مِنْهُ مَا أَرَادْتُ أَنْ أَتَلَا مِنْهُ مَا أَرَادْتُ أَنْ أَتَلَا
 مِنْهُ مَا أَرَادْتُ أَنْ أَتَلَا مِنْهُ مَا أَرَادْتُ أَنْ أَتَلَا
 مِنْهُ مَا أَرَادْتُ أَنْ أَتَلَا مِنْهُ مَا أَرَادْتُ أَنْ أَتَلَا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الى خلق فان حاجتي وطلبتي اليك وعذرا لا
 شريك لك لك الحمد والثناء لله رب العالمين
 قالوا لا شياخ الله هو قاسم العايش والميت
 جاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسانا
 ذلك قد بينا للعالمين الا انهم لم يعلموا
 حتى جعلناهم آيات في نوحي اليهم انهم لم يعلموا
 بين يديك نوحي اليهم انهم لم يعلموا
 وعن شمالهم نوحي اليهم انهم لم يعلموا
 نوحي اليهم انهم لم يعلموا
 نوحي اليهم انهم لم يعلموا
 نوحي اليهم انهم لم يعلموا
 نوحي اليهم انهم لم يعلموا
 نوحي اليهم انهم لم يعلموا

كَمَا حَضَرَتْ مَا مَزَرَ الْعَالَمِينَ عَمَّ بَعْدَ ذَلِكَ فَانْ شَبَّحُوا
 وَرَأَى بَعْدَ ذَلِكَ شَبَّاحًا سَائِرًا مِمَّنْ كُنْتَ تَقُولُ فِيهِمْ
 وَأَعْلَى بِشَيْءٍ لَهُمْ كَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ بَدَأُوا بِأَعْلَى وَكَانَ
 الْمُسْتَعِجُّونَ فِي الْأَعْيَانِ وَالْأَعْيَانُ عَلَى سِرِّ
 الْمُسْتَعِجُّونَ وَالْأَعْيَانُ وَالْأَعْيَانُ عَلَى سِرِّ
 عَنْ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَدِيمُ إِنَّكَ تَسْتَعِجُّ
 بِالْأَعْيَانِ وَتَسْتَعِجُّ بِالْأَعْيَانِ وَالْأَعْيَانُ عَلَى سِرِّ
 دُونَ الْجُوعِ وَالْأَعْيَانُ عَلَى سِرِّ مَا تَسْتَعِجُّونَ بِهِ مِنْ
 ذَلِكَ أَتَوْهُنَّ الْقَائِمَتِينَ صَلَّاهُ فِيكَ الصِّفَاتُ
 وَتَعَفَّتْ عَنْكَ الْقَوْمُ وَتَعَفَّتْ عَنْكَ الْقَوْمُ
 لَمَّا قَامَ الْأَوَّلُ كَذَلِكَ كَانَتْ أَلْفًا وَفِي الْقَوْمِ

وَفِي ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ عَنْ أَمْرِ الْعَبِيدِ الضَّعِيفِ
 عَالِمٌ الْكَيْدِ وَأَرْوَاحُ مَنُوعٍ وَمِنْ سَبَابِ الْفُجَاءِ
 الْأَمْرِ لَا تَعْلَمُكَ وَتَقْضِي عَنْ عَمَلِ الْأَمْرِ لَا
 مَا أَلْفُكُمْ بِمَنْ عَفْوُكَ عَلَى عَفْوِ مَا اخْتَصَرْتُمْ
 مِنْ مَلْعُونَةٍ وَكَرَّمْتُمْ مَا أَبَوِي بِهِ مِنْ مَصْنُوعٍ كَانَ
 يَسْتَقِي عَيْنُكَ عَفْوُكَ عَنْ عِبْدِكَ كَلِمَةً أَسَاءَ لَعَفْوُ
 عَنْ أَلْفِكُمْ وَكَرَّمْتُمْ عَلَى خِيَايَا الْأَمْرِ لَا تَعْلَمُكَ
 كُلُّ مَسْئُورٍ بِفَتْحٍ خَيْرُكَ وَلَا تَطْلُقُ عَنْكَ وَكَانَتْ
 الْأُمُورُ لَا تَعْلَمُكَ عَنْكَ كَيْدُ الْبُشَايَا لَا تَعْلَمُكَ
 اسْتَوْقَى عَلَى مَلْعُونَةٍ الْفَتْحِ اسْتَوْقَى الْفَتْحِ الْفَتْحِ الْفَتْحِ
 وَاسْتَوْقَى الْفَتْحِ الْفَتْحِ الْفَتْحِ الْفَتْحِ الْفَتْحِ الْفَتْحِ

[illegible]

وَقَدْ مَرَّ بِكَ وَمَوْلَى الْخَطَا عَامِلُ السَّعَةِ
وَلَا أَسْتَعِينُ عَلَى سِوَاكَ يَا كَلَامَ الْحَجَرِ وَتَقْدِيرِ
الْيَدِ لَا تَسْتَعِينُ عَلَى الْيَدِ مَا سَنَةَ مَلِكِ الْفَرْغِ
الْبَرِّ مَنْ مَسَّهَا فَهَلْ وَاسْتَأْذَنَ إِلَى الْبَرِّ
نَافِلٍ مَعَ كَثِيرٍ مَا انْقَلَبَ مِنْ وَكَلَهُ فَوْضَلُ
وَقَدْ تَبَيَّنَ مِنْ قَلَمِ الْمَدِينَةِ إِلَى الْمَدِينَةِ
وَكَيْفَ أَنْ تَوْبِ الْأَمْرِ مَا كَانَتْ مَلِكُكَ لِيَنْ
فَصَلُّوا شَرَفًا وَمَقَامًا مِنْ أَسْمَاءِ النَّبِيِّ
مِنْكَ وَخَطَّ عَلَيْكَ وَرَوَى مِنْكَ مَلِكُكَ الْبَرِّ
خَاشِعَةً وَرَقَّةً خَلِيقَةً وَكَلَامَ الْخَلَايَا
وَأَتَى بَيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّغْبَةِ مِنْكَ مَلِكُكَ

مَنْ يَدْعُهُمْ وَأَمْرٌ مُرْتَضٍ مِنْهُمْ فَأَعْلَوْا أَنْتَ
مَنْ جِئْتَ بِهَذَا وَمَا كُنْتَ تَعْلَمُ أَنْ يَدْعُوا بِهِ
أَنْتَ إِلَّا كَلِمَاتُ الْفُجُورِ الْفُجُورُ كَلِمَاتُ الْفُجُورِ
فَمَا تَعْلَمُ أَنْ تَدْعُهُمْ إِلَّا كَلِمَاتُ الْفُجُورِ
مَنْ يَدْعُهُمْ وَأَمْرٌ مُرْتَضٍ مِنْهُمْ فَأَعْلَوْا أَنْتَ
مَنْ جِئْتَ بِهَذَا وَمَا كُنْتَ تَعْلَمُ أَنْ يَدْعُوا بِهِ
أَنْتَ إِلَّا كَلِمَاتُ الْفُجُورِ الْفُجُورُ كَلِمَاتُ الْفُجُورِ
فَمَا تَعْلَمُ أَنْ تَدْعُهُمْ إِلَّا كَلِمَاتُ الْفُجُورِ
مَنْ يَدْعُهُمْ وَأَمْرٌ مُرْتَضٍ مِنْهُمْ فَأَعْلَوْا أَنْتَ
مَنْ جِئْتَ بِهَذَا وَمَا كُنْتَ تَعْلَمُ أَنْ يَدْعُوا بِهِ
أَنْتَ إِلَّا كَلِمَاتُ الْفُجُورِ الْفُجُورُ كَلِمَاتُ الْفُجُورِ
فَمَا تَعْلَمُ أَنْ تَدْعُهُمْ إِلَّا كَلِمَاتُ الْفُجُورِ

مَا مَوْئِلًا مِنْ مَوْلَىٰ مُنَا لِي لِيُعْلَمَ مِنْ رَجْعِ اللَّهِ
 إِلَى عَمِّهِ يَتَّقِي شَرَّهَا بِالْحَبِيبِ مُصْرَفِي مَا لَعَنَ
 مَا لِي خَرَجْتُ فِي رَأْسِ قَوْمِ الْقَوْمِ وَلَبَّتْ فِي
 الْخَطِّ كَأَنَّ فِي كَيْفَايَ فَلَنَنْتُمْ مَلَقَةً ثُمَّ
 مَعْضَةً ثُمَّ عَمَّا ثُمَّ كَسَى الْعِطَامَ ثُمَّ كَسَمَ
 أَتَانِي فَلَمَّا كَرِهْتُ عَنْ إِذَا انْجَرَّ لِي
 مِنْ رَأْيِكَ ثُمَّ اسْتَعْرِضَ عَنْ رِيَاكَ فَضْلًا بِكَ
 لِي خَوَانِي فَضْلًا لِمَا وَكَرِهِي الْخَوَانِي لِمَا
 الَّتِي اسْتَكْبَرْتُ مِنْ رَأْيِكَ فَضْلًا لِمَا وَكَرِهِي
 الْخَوَانِي لِمَا وَكَرِهِي الْخَوَانِي لِمَا وَكَرِهِي
 الْخَوَانِي لِمَا وَكَرِهِي الْخَوَانِي لِمَا وَكَرِهِي

خُذْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ غِنَاءَ الْغُرُفِ فَفَعَلْ ذَلِكَ
فِي قَلْبِهِ عَلَى الْإِنْسَانِ فَلَمَّا أَفْتَدِمَ يَدَكَ إِلَيْهِ
يَخْبِي فِي مِرْغَلَتِكَ فَتَأْكُلُ مِنْهُ لَمْ يَخْشَ
فَأَتَتْهُ خَلْقًا عَلَى الْإِنْسَانِ فَأَتَتْهُ خَلْقًا
عَيْنَانِ فِي سَعَةِ الْفَرْقِ وَتَعَفُّفِ الْيَقِينِ فَأَتَا
أَشْكُوهُ بِمَا وَتَرَى وَتَلَا وَتَقْضِي أَلَمْ تَسْمَعْ
مِنْ مَلَائِكَةِ الْمَلْعَةِ إِلَيْكَ وَأَنْتَ كَمَا لَمْ يَكُنْ
سَبِيلًا فَلَمَّا أَتَى عَلَى أَيْدِيكَ وَالْقَوْمِ الْبَاسِ
وَالْمَلَكُوكِ الشُّكْرُ عَلَى الْأَعْيَانِ وَالْأَسْمَاءِ الْمَعْلُومِ
فَلَمَّا مَعْلُومٌ عَلَى رِزْقٍ وَتَقْضِي تَقْضِي لَمْ يَكُنْ
وَيَسْتَوْفِي مَا قَدْ كَانَ يَكُنْ يَكُنْ مِنْ جَمْعٍ وَجَمْعٍ

سَبِيلَ الْوَعْدَةِ إِنَّكَ فَرِيدٌ عَلَى الْعَالَمِينَ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا
 مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى الْعَالَمِينَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ
 فَسَبَّحُوا بُحْبُوحَةَ الْأَشْجَارِ إِلَّا قَوْمًا يَسْتَكْبِرُونَ فَضَلَّاهُمْ
 فَأَسْبَغَ الْأَمْزَجَ الْأَيْشَ فَأَنزَلْنَا السَّمَاءَ مَطَرًا فَخَسَفْنَا
 بِهِنَّ السُّبُحَ وَأَنزَلْنَا لَهُنَّ مِنْ بَيْنِ يَدَيْنَا مَاءً زَاكِيًّا فَطَبَخْنَاهُنَّ
 فِي هُنَّ أَمْزَاجَ الْحَبِّ وَتَرَى الْأَرْضَ خَاخِيًّا إِنَّهُمْ سَبَّحُوا بِحَمْدِ
 الْكَلْبِ الْكَلْبِ إِنَّهُمْ لَمِنَ السَّاجِدِينَ بَلْ رَفَعْنَا سَبَّحَهُ بِمَا فَعَلَ
 بِهِنَّ إِنَّهُمْ لَمِنَ الْأَلْفَاكِ لَا يَخْفَى الْوَعْدَ عَلَى الْقَوْمِ إِنَّهُمْ
 فَتَنَّا بِهِنَّ فَمَا كَفَرْنَ إِلَّا أَنَّا جَعَلْنَا لِكُلِّ مِثْقَالٍ مِيزَانًا
 لَنُخَوِّلَهُمْ فِيهِ أَثْقَارًا فَتَرَى الْكَافِرَ فِي ذُكْرٍ أَنْ يَتْرُكَهُ
 لِيُتْرَكَ فَيُقْطِعُ أَعْيُنًا وَيَدُفَنُ فِي الْأَرْضِ دُفْنًا مَكْرُومًا

والى الله ما كان من هذا العلم من كل خير
 وما كان من هذا العلم من كل شر
 وما كان من هذا العلم من كل خير
 وما كان من هذا العلم من كل شر
 وما كان من هذا العلم من كل خير
 وما كان من هذا العلم من كل شر
 وما كان من هذا العلم من كل خير
 وما كان من هذا العلم من كل شر

من هذا العلم من كل خير

من هذا العلم من كل شر
 من هذا العلم من كل خير

